

وحشت از روشنگری

نتایج دیدارهای پشت پرده وزیر امور خارجه عراق با مقامات جمهوری اسلامی از سفر به تهران آشکار نشده است.



اهدام و مجازاتهای قرون وسطایی نه می تواند مفاسد اجتماعی را ریشه کن کند و نه شیوه های انسانی و معاصر برای مقابله با این مفاسد است. ما هم اعدام و هم مجازاتهای نظیر قطع دست را شدیداً محکوم می شناسیم. برای مقابله با قاچاقچیان و بزه کاران در کشور ما باید قوانین انسانی جاری شود، به فعالیت گروهها و باندها مجاهد افغانی پایان داده شود، برای توده مهاجرین افغانی سیاستهایی در جهت اشتغال و تامین زندگی انسانی اتخاذ شود. در چشم اندازی کلی تر باید مقررات ارتجاعی و دست و پاگیر اسلامی که جوatan را دچار فرسودگی روحی و جسمی ساخته کنار گذاشته شود و با ایجاد رفاه اجتماعی و فرهنگ مترقی ریشه های جرایم اجتماعی تا حد اکثر مهار شود.

در این شماره

جهان سوم

در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب

در صفحه ۶

طرح پیشنهادی برای حل مساله کردها

د وقت کے

در صفحه ۸

مسکتنال جوانان آسما : قیم ایران دهم شد

در صفحه ۵

نمایش "سوگ سیاوش" در کلن

۴۴۵۱۰۰۰

جمهوری اسلامی رسمادرنکار عراق قرارگرفت

بقیه از صفحه اول

با واسطه‌گری در فروش محصولات آمریکایی و اروپایی به ایران به قیمت‌هایی شاید تا چند برابر، به اقتصاد ورشکسته خود سرو سامانی داد، در پیش چشم قرار دارد.

جمهوری اسلامی از سویی با پیشنهادی اشتباه برانگیز عراق روبرو است و نمی‌تواند از آنچه همین امروز از معامله بادیکتاتور عراق عایدش خواهد شد چشم‌پوشد و از سوی دیگر علاوه بر نگرانی از تثبیت موقعیت برتر رژیم صدام در منطقه نمی‌خواهد رشته‌هایی که تا امروز در جهت بهبود مناسبات با غرب بافته شده پنبه شود و آمریکا و ناتو در مقابلش قرار گیرند. علاوه بر اینها تضادهای درون رژیم و نارضایتی سپاه و نیروهای نظیر آن از سکوت عملی در مقابل لشکرکشی آمریکا و تلاش برای بهبود مناسبات با عراق تا حد تظلمیر صدام حسین نیز بر گروه‌بندی حاکم فشار وارد می‌سازد. موضع‌گیری خامنه‌ای در شرایطی که مذاکرات برای حل مسائل با غرب ادامه دارد برآیند مجموع فشارهایی است که بر سران رژیم وارد می‌شود.

شواهد نشان می‌دهد که در این زمینه جناح‌های رژیم به توافق و مواضع کم و بیش مشابهی رسیده‌اند. جناح حزب الله افراطی تصمیم به نزدیکی به عراق را با کوبیدن بر طبل ضد آمریکایی خود به پیش می‌برد. در شرایط صفا آرای عراق و آمریکا، در مقابل هم، حمله شدید و پر مناسبی را برای نمایش ضرورت نزدیکی به طرف دیگر، عراق، پدید می‌آورد و چه وتیح‌اند آخوندهای جنایتکار حاکم که سال‌ها با نفرهای شوم جنگ، جنگ با هدف پیروزی بر "صدام یزید عفلتی"، به جنگی ادامه دادند که هستی صدها هزار انسان را در تنور خود سوزاند و ویرانی‌ها و صدمات بی‌شماری به بار آورد. اکنون به ناگهان این "دشمن خدا" همان صدام آمریکایی به بخشی از "امت اسلامی در پیکار مقدس علیه شیطان بزرگ" و نیروی آزادی "اماکن متبرکه از جنگ حاکمان بی‌کفایت سعودی" تبدیل می‌شود. و این در حالی است که همچنان در تبلیغات خود از پیروزی و حقانیت در ادامه جنگ تازمان پذیرش قطعنامه شورای امنیت دم می‌زنند. راستی را که وقاحت و تبهکاری سردمداران رژیم آخوندی را حدی نیست.

دزدی داریم تادزدی!

بقیه از صفحه ۱

در حال حاضر صورت هزینه‌های انجام شده از طرف امام جمعه مسجد سلیمان به استانداری ارائه شده و مختصر اختلاف موجود در حال بررسی است. چنین است معنای اجرای عدالت در جمهوری اسلامی. سارتی را به جرم یک فقره سرقت کوچک قطع دست می‌کنند و آخوندی را که ۵۰۰ میلیون ریال دزدی کرده است آزاد می‌گذارند تا در نماز جمعه به مردم درس اخلاق بدهد و در مورد فواید قانون اسلامی قطع دست دران سخنرانی نماید!

وحشت از روشنگری

خطر بلند می‌شود.

در اینجا دیگر باند محتشمی، یا دسته رسالت یا گروه رنسنجانی نیست که چماقدار علم می‌کند کل رژیم است که یک سیاست هدفمند را پیش می‌برد. سیاستی که محور آن هدم تحول نهادی است که مستقل از رژیم با مردم رابطه برقرار کند.

این سیاست پیش از این نیز وجود داشت. اما امروز بر جسته‌تر از گذشته در دستور روز رژیم قرار گرفته است. نخست به این دلیل که جنبش روشنفکری و روشنگری ابعاد بسیار گسترده و خطر سازی یافته است و دوم بدین سبب که دنیا طی چند سال اخیر دستخوش تحولات همیق شده و ملاحای مابه چشم خود دیدند که چگونه "جنبش‌های در سابه" مثل آتش زیر خاکستر، بی‌آنکه به چشم بیایند، ماندند، بالیدند و با سرعتی باور نکردنی با وزش نخستین نسیم‌ها، از زیر

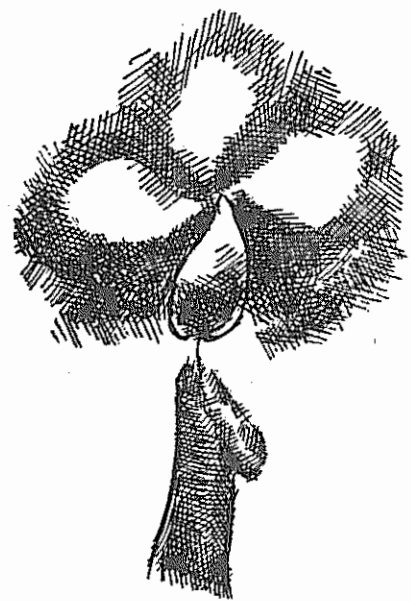
خاکستر سر برآوردند و آتش به خرمن هستی حکومتی توالتیر و مستبدار و پای شرتی زدند.

اگر تا دیروز لبه تیز سیاست سرکوب و حشیانه رژیم همدتا متوجه فعالین متشکل در گروه‌های مخفی بود، امروز قلع و تمع همه آن نهادهای فرهنگی، هنری و حتی ورزشی که مورد هلاک و توجه مردم قرار گرفته باشند و احتمالا بتوانند به وسیله‌ای برای بیان دردها و روزه‌ای برای وزش نسیم و کنار رفتن خاکستر بدل شوند، نیز به دستور کار ارگانه‌های سرکوب‌گر رژیم افزوده گشته است. یورش به نشریه فرهنگی آدینه تازه ترین - و نه لزوما آخرین تجلی بارز این سیاست سرکوب است. سیاستی که نتیجه "درس آموزی" نقض از تحولات جهان امروز و نشانه وحشت همیق آنها از خیزش مردم است.

به یاد پزشک فداکار رودباری که در زلزله اخیر جان باخت

دکتر جان تو افتخار شهر مابودی

کیمستان
۲۸ تیر ۱۳۶۹



که هنوز به بار تنشسته بودند. تو به فکر خوشه‌های سبز برنج بودی که در شالیزارها به انتظار دستهای پنبه بسته شالیکار بودند. تو، هوای پاک کوهسار رودبار را طلب می‌کردی و بوی گس و تند شالیزار را... دکتر جان تو پس از سالها باز گشتی. فامیل تو، اقوام نزدیک تو، آنانی که همراه تو به آمریکا رفته بودند در خارج از کشور ماندند. آنان به برای چه به ایران بر می‌گردد همین جا بمان آنها تکرار کردند که «تو در مجهزترین بیمارستانها کار می‌کنی وضع مالی خوبی داری، همسر و فرزندان در رفاه هستند. آینده شغلی تو تضمین است چرا می‌خواهی به ایران برگردی؟» دکتر جان تو با شنیدن این حرفها عصیان و ناراحت شدی، می‌خواستی سر اقوامت فریاد بکشی، می‌خواستی بگویی: «اگر تنها من و خانواده من در ناز و نعمت و رفاه زندگی کنیم کافیتست».

می‌خواستی داد بزنی: «مگر من آمریکایی هستم که در این سرزمین بمانم. من اهل ایرانم و اهل رودبار

والدین باید بخشی از هزینه تحصیلی فرزندان خود را به مدارس پرداخت کنند

گیلان- خبرنگار زن روز: بخشی هزینه‌ها گرفته شود و در صورت تصویب از هزینه تحصیلی دانش آموزان از این طرح ۵۰ درصد از خانواده‌ها ۱۰ درصد هزینه‌های تحصیلی فرزندان خود دکتر نجفی، وزیر آموزش و پرورش ضمن را برداشت می‌کنند و آن دسته از خانواده‌هایی که از درآمد بالایی - طرح آموزش و پرورش در این زمینه برخوردار هستند، حدود ۳۰ درصد در صورت تصویب با در نظر گرفتن هزینه‌های تحصیلی فرزندان خود را تقبل درآمد خانواده‌ها اجرا می‌شود. می‌کنند.

وی با تاکید بر اینکه تازمانی که مجلس شورای اسلامی برای پرداخت شهریه کرد: مصوبه‌ای ارائه نداده، دریافت اجباری - با اجرای این طرح در مجموع ۱۰ شهریه ممنوع است، گفت: درصد هزینه‌های تحصیلی توسط مردم - طرحی در دست است تا بر اساس پرداخت می‌شود و ۹۰ درصد هزینه‌ها را درآمد خانواده‌ها، پولی بابت بخشی از دولت می‌پردازد. □

دبیرستان دخترانه تشکیل جلسه داد و اعتراض پیش از بروجرود منحل شد
۴۰۰ تن از دانش آموزان و اولیای آنها خطاب به وزیر آموزش و پرورش، نماینده بروجرود خبرنگار زن روز: مردم بروجرود در مجلس و دیگر مسئولان قدیمی ترین دبیرستان بروجرود که هر استان را جهت اطلاع این مقامات مخابره ساله دختران دانش آموز موقوفی در شد. در این ارتباط معاون اداره آموزش و پرورش می‌کرد، به علت کمبود فضای پرورش در گفتگو با خبرنگار ما گفت: مسئله انحلال دبیرستان ولایت فقیه آموزشی منحل شد. در پی انحلال دبیرستان دخترانه در کار نیست. این دبیرستان به علت ولایت فقیه بروجرود و جایگزینی کمبود فضای آموزشی به طور موقت دبیرستان فنی و حرفه‌ای دختران، برای یکسال، به دبیرستان سمیه انتقال انجمن اولیاء و مربیان این دبیرستان داده خواهد شد. □

رودبار خانه من است. هیچکس نمی‌تواند مرا از خانام دور کند»

می‌خواستی بگویی: «توی رودبار بچه‌ها پزشک ندارند، توی رودبار، خیلی از بچه‌های کوچک می‌میرند. توی رودبار امکانات درمانی کم است و...» می‌خواستی همه این حرفها را با توپ و تشر به فامیلت بفهمانی اما حرمتشان را نگاه داشتی و با لبخندی گرم پاسخ آنان را ایستور دادی... «نه، من به شهرم باز می‌گردم»

فامیلت در برابر تصمیم و اراده و اعتقاد تو سر فرود آوردند و تو آمادی...
آی دکتر جان هرگز یادم نمی‌رود روزی که تابلوی مطب در رودبار بالا رفت... «دکتر... متخصص... از آمریکا». این تابلو، انگار نور امید را در قلب مردم شهرت دمید، این تابلو انگار پیک سلامتی و خوشبختی بود این تابلو... آی دکتر جان هرگز فراموش نمی‌کنم که پیر زن همسایه ما با همان قد خمیدمو تا شده‌اش روزی به مطب‌ات آمد و با صدایی لرزان به تو گفت: «سلام زای، تی احوال چطویه الهی خدا، ترده زنده‌واله تی جان ساق بوکونه!»

و از فردای آنروز بود که مطب‌ات: غلغله شد رودبارها همه به مطب‌ات می‌آمدند و تو دردهایشان را تسکین می‌دادی و بیماری‌شان را مداوا می‌کردی و... آی دکتر جان اگر زلزله نمی‌آمد، تو حالا توی مطب‌ات بودی با همشهریها خوش و بش می‌کردی:

«کاس آقا، تره بوگو فتم که پلاکتر بوخور ۲۵»
«دوکتور نجان، نه تنم، پلا نوخورم چی بوخورم»
آی دکتر جان زلزله آمد، انگار زمین و زمان سیاه شد، انگار سیل غم روان شد همه چیز خراب شد، همه چیز ویران شد، انگار هیچکس توی رودبار زندگی نمی‌کرد، انگار، همیشه اینجا یک ویرانه بود یک ویرانه... آی دکتر جان توی شهر خیلی‌ها مردند پیرزن همسایه مرد، «کاس آقا» مرد...
حالا شهر یک ویرانه است، هیچ چیز از آن باقی نمانده، توی این ویرانه فقط من و چند نفر دیگر هستیم که دنبال مطب «تو» می‌گردیم. نه مطب‌ات با خاک یکسان شد خانه‌ات هم همینطور، بچه‌های معلوم نیست چه شدند؟ خودت را پیدا کردیم زیر خروارها خاک بودی، صورتت سیاه و گیو بود اما جای لبخند همیشگی روی آن آشکار بود انگار با وجدانی آسوده به خواب رفته بودی، انگار خوشحال بودی که در سرزمین خودت مردی، انگار... یک نفر از همشهریها که زخمی و خونین و مایلین از زیر آوار به در آورده شده بود تا ترا دید توی سرش زد و گفت: «دوکتور جان چی ره ما مویی کی زلزله تی ره بو بوره» تو می‌خواستی اگر رویداد و حادثه‌ای برای مردم شهرت، برای مردم رودبار پیش بیاید در کنارشان باشی و همینطور هم شد زلزله ترا با مردم شهرت بردو... آی دکتر جان، تو افتخار شهر ما بودی...

۱- سلام پسر، حالت چطور است؟ الهی خدا ترا زنده نگاه دارد و جانت را سلامت بدارد.
۲- کاس آقا به تو نگفتم ده پلو کمتر بخور
۳- دکتر جان نمی‌توانم. پلو نخورم چی بخورم
۴- دکتر جان، چرا آمدمی که زلزله تو را ببرد

هینو- ب

سومین دیدار گارباچف و بوش

بقیه از صفحه اولی
کرده بود که "هرگونه تلاش برای احیای وضعیت پیش از ۲۰ اوت ۱۹۹۰ (زمانی که عراق به کویت حمله کرد) بی‌ثمر و مذبوحانه است." صدام حسین در این پیام ادای خمینی را درآورده، خود را بنده راستین خدای نام‌نهاد و تلاش ورزیده بود به خاطر حضور سربازان آمریکایی در عربستان احساسات مذهبی مسلمانان را تحریک کند. این پیام ثابت می‌کند که حکومت عراق در همین حال که بر روی موضع خود تاکید دارد، نگران نتایج هم‌نظری شوروی و آمریکا بر سر مساله تجاوز به کویت است.

ناظرین سیاسی بر این عقیده‌اند که در هلسینکی پایه‌های یک نظم جدید جهانی پی‌ریخته شد. شوروی و آمریکا از این پس

اطلاعیه مشترک گارباچف و بوش در هلسینکی

در پایان ملاقات گارباچف و بوش در هلسینکی اطلاعیه زیر از جانب آنان انتشار یافت. مضمون اطلاعیه موضوع مشترک آنان در قبال بحران در خلیج فارس است:

"ما در این مورد هم‌نظریم که تجاوز عراق (به کویت) قابل چشم‌پوشی نیست. برقراری یک نظم بین‌المللی صلح‌آمیز غیرممکن است، اگر کشورهای بزرگ همسایه‌های کوچکتر خود را به انقیاد خویش درآورند. ما بدینوسیله بر اعلامیه مشترک ۳ اوت ۱۹۹۰ و وزاری خارجه خود و قطعنامه‌های ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳ و ۶۶۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکید می‌ورزیم، ما از حکومت عراق می‌خواهیم بی‌قید و شرط از کویت عقب‌نشینی، استقرار مجدد حکومت مشروع کویت را بپذیرد و همه کسانی را که در حال حاضر در عراق و کویت گروگان گرفته شده‌اند، آزاد کند.

برای ما هیچ چیزی کمتر از تحقق کامل قطعنامه‌های شورای امنیت قابل قبول نیست. فقط بازگشت کویت به وضعیت پیش از ۲ اوت (زمان حمله عراق) می‌تواند به انزوای عراق پایان بخشد.

ما از همه کشورهای جهان می‌خواهیم به نتیجه‌ای که سازمان ملل علیه عراق در نظر گرفته است، جامه عمل بپوشند. ما خود متعهد شویم که چه جداگانه و چه به صورت مشترک در زمینه اعمال کامل این مجازات‌ها تلاش ورزیم. ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در همین حال قطعنامه ۶۶۱ شورای امنیت را که در آن صدور مواد غذایی به کویت و عراق را به دلایل انسانی مجاز اعلام کرده است، به رسمیت می‌شناسند. کمیته اعمال مجازات مفهوم دقیق توصیه در زمینه در نظر گرفتن دلایل انسانی را به اطلاع شورای امنیت خواهد رساند.

علاوه بر این ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی در این مورد توافق نظر دارند که صدور مواد غذایی باید به طور اکید از جانب نهادهای مسئول بین‌المللی تحت کنترل قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که مواد غذایی به دست خود مردم رسانده می‌شود و به‌ویژه احتیاجات کودکان را برطرف می‌کند.

ما ترجیح می‌دهیم که بحران به صورت مسالمت‌آمیز بر طرف گردد. ما تا زمانی که بحران بر طرف نشده علیه تجاوز عراق اتحاد نظر خواهیم داشت. ما به طور اکید مصمیم که به تجاوز خاتمه بخشیم. اگر اقدامات فعلی موفقیت‌آمیز نباشند، ما این آمادگی را داریم که در انطباق با منشور ملل متحد، تمهیدات دیگری را پیش‌گیریم. ما می‌خواهیم برای همگان روشن شود، که تجاوزگری نمی‌تواند و نباید که بی‌پاسخ بماند. تا زمان تحقق اهداف قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و به منظور نشان دادن این که تجاوز بی‌پاسخ نمی‌ماند، روسای دو کشور وزاری خارجه خود را موظف می‌کنند با کشورهای داخل و خارج منطقه تمهیدات امنیتی لازم برای برقراری صلح و ثبات ایجاد و برقرار نمایند. تلاش فعال برای پایان بخشیدن به همه تخلفات موجود در خاور نزدیک و خلیج فارس دارای یک اهمیت مرکزی است. هر دو طرف پس از این نیز همچنان با یکدیگر مشاوری کرده و تمهیداتی در نظر می‌گیرند، تا در یک فرصت مقتضی، دیگر آماج نفعته در متن این موضوع را، پیگیری نمایند."

کلاه شرعی برای سلمان رشدی!

کردن رشدی مقدمه‌ای است برای دوختن کلاه شرعی و رهانیدن گریبان حکومت فقها از چنگ فتوای جنون‌آمیز خمینی و برطرف کردن مانع "رشدی" از سراسر راهبورد مناسبات با غرب. چرا که دیوانگان شرها مسئول سخنان خود نیستند، به راستی که سیاست فقهای دینت آنهاست.



هفته گذشته خبرگذاری آلمان به نقل از جیانی دومیکلیس وزیر امور خارجه ایتالیا اعلام کرد که ایران و کشورهای بازار مشترک اروپا بر سر مسئله سلمان رشدی نویسنده انگلیسی کتاب آیات شیطانیه به زودی به توافق خواهند رسید.

قرار است در سفر آتی ولایتی وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی به نیویورک برای شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد گفتگوهای دو طرف برای پیدا کردن راه حل نهایی ادامه یابد.

از سوی دیگر یکی از وابستگان جمهوری اسلامی در انگلستان اظهار داشته که "سلمان رشدی" دیوانه است، به نظر می‌رسد که دیوانه قلمداد

هنری کی سینجر:

بوش از گذرگاه بدون بازگشت عبور کرده است

خاورمیانه پایان خواهد بخشید و هیچ کشور دیگری نمی‌تواند این نقش را عهده دار گردد. این امر ظرفیت دولت را برای فلبه بر بحران اقتصادی که به طور اجتناب‌ناپذیر در چنین شرایطی پدید خواهد آمد تضعیف می‌نماید.

نادرست است که تنها بر مشکلات آمریکا تاکید نماییم. عراق کشوری است با ۱۶ میلیون جمعیت و بشدت مقروض که اخیرا جنگ با ایران را پایان داده و روابط خصمانه‌ای با ۴ همسایه از شش کشور مجاور خویش دارد. عراق در موقعیتی نیست که بتواند درگیری درازمدتی را با آمریکا ادامه دهد. صدام حسین در جریان جنگ با ایران اثبات کرده که هر گاه لازم باشد آماده مذاکره است. پیشنهاد اخیر او که حاضر به عقب‌نشینی از کویت البته با شرایطی و قیاحانه است. می‌تواند آغازگر تلاشی برای مذاکره باشد که در لاف‌زدن پوشیده شده پیشنهاد عقب‌نشینی می‌تواند در آینده مجدداً ظاهر گردد بدون اینکه در شکل بی‌معنی کنونی طرح گردد.

اما ایالات متحده نمی‌تواند بپذیرد که فریب بخورد و نمی‌تواند شکست را قبول کند. اگر به این نتیجه برسیم که ماحصل سیاست محاصره اقتصادی و فشار دیپلماتیک بسیار نامعین است در آن صورت ایالات متحده نیاز به بررسی جراحی تاسیسات نظامی عراق را خواهد داشت. بخصوص آن جهت که اگر صدام حسین موقعیت خود را حفظ کرد و ماشین نظامی وی بی‌آسیب باقی بماند این موقعیت تنها یک فاصله و تدارک برای تهاجمات بعدی وی خواهد بود.

تونی بن (از رهبران جناح چپ حزب کارگر)

کنفرانس صلح سازمان ملل

برای حل درگیری عراق

نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در کلیه مناطق بحرانی. ۲ - احاده استقلال کویت، استقرار دولت فلسطین و تامین امنیت اسرائیل بر مبنای مرزهای پذیرفته شده بین‌المللی و مذاکره جهت پیمان صلح پایدار مابین همه ملل منطقه.

۳ - استقرار صندوق توسعه سازمان ملل و هدایت پولی که امروز صرف خرید سلاح می‌گردد در راستای نیازهای مردم. امضاء قرارداد محدود کردن و کنترل تجارت بین‌المللی سلاح.

۴ - مذاکره برای تاسیس کنوانسیون نفت سازمان ملل جهت تضمین منافع عادلانه تولیدکنندگان و تامین امنیت تولید نفت برای مصرف‌کنندگان، بررسی برنامه بین‌المللی تولید انرژی و کنترل کمپانی‌های نفتی. مهران

است تا نظراتی که بر حل همومی بحران خاورمیانه تاکید دارند و آمریکا را از راه‌حل‌های ماجراجویانه بر حذر می‌دارند ابراز گردید. در اینجا ما با بخش‌هایی از مقالاتی که توسط چند تن از سیاستمداران و مفسران برجسته غربی در این رابطه انتشار یافته است جهت اطلاع از نظرات گوناگون در این رابطه درج می‌کنیم.

در هفته‌های اخیر مفسران و سیاستمداران مختلف جهان در باره اعزام نیروهای آمریکایی به خلیج فارس پس از اشغال کویت توسط عراق، اهداف این لشکرکشی، خطرات و ضرورت‌های آن اظهار نظر کرده و می‌کنند. در این اظهار نظرهای محافظه‌کارترین نظرات که خواهان حمله نظامی فوری به عراق و حل قاطع نظامی بحران

بأعراق و کویت ۴۰ درصد ذخایر نفت را در اختیار دارند و از طریق کاهش تولید قیمت نفت را در سطح جهانی تعیین کند.

ایالات متحده سه راه در برابر خود داشت: می‌توانست به شکل یاسو آنچه را که در سازمان ملل مورد اتفاق آراست تایید نماید. می‌توانست از آنچه دیگر دموکراسی‌های صنعتی (که بیش از ایالات متحده به نفت خاورمیانه وابسته‌اند) متفقاً انجام می‌دهند حمایت نماید و یا می‌توانست رهبری مخالفت با صدام را عهده‌دار گردد و کوشش نماید حمایت بین‌المللی را برای تلاشی که ایالات متحده در آن نقش‌آلری را دارا در جلب نماید.

دلایل متعددی برای احتراز از تصمیمات دیگر وجود داشت. مد روزترین استدلال این است که دفاع از منطقه مساله اهراب است. امارت نهایت فیتت از محل وقوع جرم نمی‌تواند نتیجه شکست مقاومت را تغییر دهد. هیچیک از کشورهای عرب حتی در همراهی با دیگران اقتدر قوی نیست که بتواند ارتش عراق را شکست دهد. ارتشی که در جریان جنگ طولانی آبدیده شده با پیشرفته‌ترین تکنولوژی نظامی توسط شوروی و فرانسه تجهیز گردیده و از کمک‌های اقتصادی دموکراسی‌های غربی منجمد ایالات متحده بهره‌مند گردیده است. چنین استدلالی در جهت ایزوله کردن آمریکا بالاخص در میان محافظه‌کاران عمل می‌کند. اگر این استدلال پیش‌رو منجر به کناره‌گیری آمریکا در زمانی که مبارزه شرق و غرب با پیروزی به پایان رسیده می‌گردد.

کابینه بوش می‌بایست به این نتیجه می‌رسد که هر چه‌بجز نقش رهبری‌کننده آمریکا می‌توانست سلطه عراق بر کویت را دائمی نموده و منتهی به ازهم پاشیده شدن حکومت‌های معتدل منطقه از جمله مصر گردد.

پرویزدن بوش با تعهد نقش رهبری‌کننده ایالات متحده تصمیم حساس دیگری نیز اتخاذ نمود. نقش نظامی می‌توانست در حدیک نیروی بازدارنده در دریا و یک نیروی محدود زمینی که نشان دهد حمله به تاسیسات نفتی عراق به جنگ با ایالات متحده منجر میگردد محدود باشد. بوش و مشاورینش تصمیم به استقرار یک نیروی عظیم گرفتند.

آنها (کابینه بوش) نباید به حمایت وسیع ملی و بین‌المللی که امروز از آن بهره‌مندند دلخوش کنند. علیرغم تمام اظهاراتی که توسط روزنامه‌نگاران و سخنگویان دولت درباره احتمال پیروزی بیان می‌گردد، گذشت زمان قابل اعتماد بودن نقش آمریکا را کاهش خواهد داد.

هر چه بحران بیشتر تداوم یابد موقعیت در خاورمیانه بی‌ثبات‌تر خواهد گردید. تأثیرات تبلیغات ضد غربی عراق و ارتباط ماهرانه مساله کویت و فلسطین بر جهان حرب نباید کم تخمین زده شود.

تماشاگر تماها مسحور فضای اساطیری شاهنامه نشود و ارتباط اساطیر را با واقعیت های دور و برش احساس کند از چند شیوه استفاده می کند. از این شیوه ها سه مورد را می توان به طور مشخص نام برد:

۱- استفاده از فن فاصله گذاری (شیوه ابداعی بر تولد برشت):

در تمام طول نمایشنامه از این شیوه به دفعات و با مهارتی خاص استفاده می شود. مثل نمونه های زیر: «هنگامیکه اصغر آقا در چهره نقال شاهنامه ماجرای تولد سیاوش را شرح میدهد و می گوید: "ستاره شناسان سرنوشت سیاوش را شوم دیدند." ناگهان در فکر فرو میرود. و این دیگر نقال نیست، بلکه اصغر آقا است که نه به سرنوشت شوم سیاوش شاهنامه که به سرنوشت اندوهبار فرزند خویش اندیشه میکند.

* هنگامی که سیاوش در جنگ با نیروهای افراسیاب موفق به راندن نیروهای توران از مرز ایران می شود و برای تهمتن دل از کینه افراسیاب می شوید و سیاست صلح و دوستی با تورانیان را پیش میبرد، پدرش، کاووس شاه بر او خشم میگیرد و از پسر می خواهد که یا به جنگ ادامه دهد و اسیران جنگی به ایران فرستد تا کشته شوند یا سپاه به طوس بسپارد و خود باز گردد. سیاوش که از یکسو نمی خواهد پیمان صلح با افراسیاب را نادیده بگیرد و بی گناهان را به کشتن دهد و از سوی دیگر سپردن لشکر به طوس، خشم شاه و مکر سودابه را برایش به همراه دارد، شدیداً با خویش و در افکار خویش درگیر است و فغان سر می دهد که "رستم به سیستان بازگشته است، طوس در راه است و من تنها، از هر سوی بدی می تازد و من تنها، ای آسمان، ای دادار، ای امورا، برگو چه کنم."

در این جا یکباره نقال که اصغر آقا است به یاد فرزندش می افتد، نمایشنامه بافت تاریخی نمایش را از هم میدرد و اصغر آقا رانه به عنوان نقال که در چهره پدر سیاوش به سوی اسدالله و نه سیاوش می کشاند، دو دوست و دو همدر آغوش در آغوش یکدیگر را می فشرند و اصغر آقا حرف سیاوش را برای اسدالله تکرار میکند.

اصغر آقا:

چه کنم؟ چه کنم؟

... برای لحظه ای اصغر آقا و اسدالله دست یکدیگر را میگیرند و در چشمان هم خیره می شوند اسدالله او را به ادامه کار میفرستد.

۲- استفاده از افراد امروزی نمایش به جای شخصیت های اساطیری

در طول نمایشنامه بارها آن دسته از آدم های بازی که زندگی امروز را تصویر می کنند برای ارائه تصویر شخصیت های اساطیری شاهنامه به کار گرفته می شوند. برای نمونه:

* نقش ماهروی را که همان مادر سیاوش است، زن اصغر آقا که مادر سیاوش امروزی است به عهده دارد. * در صحنه نبرد سیاوش با دو تن از پهلوانان توران، یکباره حسین (کارگر قهوه خانه) که سیاوش آینده است به جای هنرپیشه ای که نقش سیاوش اساطیری را بازی میکند قرار میگیرد. نویسنده و کارگران بدین ترتیب تماشاگر را از فضای اساطیری به فضای امروز و آینده می کشاند.

* در صحنه ای که سیاوش با همسرش فرنگیس دختر افراسیاب خلوت کرده و از مشکلات و خطری که جان سیاوش را تهدید می کند صحبت میکنند، یکباره حسین با یک سطل پیاز، در حال عبور، بر صحنه ظاهر میشود. وقتی به اسدالله که نقش سیاوش را بازی میکند میرسد، اسدالله از قالب سیاوش بیرون میآید و شغل سیاوش را به حسین میدهد و سطل را از او میگیرد و میرود. و بقیه صحنه را حسین در نقش سیاوش بازی می کند.

۳- ارائه صحنه هایی که هم اساطیری اند و هم امروزی

در سراسر نمایش، صحنه های متعددی هستند که بخشی از هنرپیشگان در حال ارائه نقش اساطیری هستند و بخش دیگر در حال و هوای امروزی سیر می کنند. برای مثال:

* در صحنه ای که گرسیوز می کوشد تا کینه سیاوش را در دل افراسیاب بکارد او را به جنگ با سیاوش ترفیق کند، اسدالله و اصغر آقا نه در چهره نقال، که در چهره دو دوست کنار یکدیگر نشسته اند و همان فضای قهوه خانه و زندگی امروزی را تصویر می کنند.

* در صحنه ای که سیاوش به قتل می رسد، با صدای دلداز گلچین در هاله ای غم انگیز و زیبا، شعر رهی بقیه در صحنه

اسدالله:

آقا سهراب، شما دیگه چرا، تو که حال و روز مونو تو خوب می بینی، چطور سیاوش اینجا نمی بینی، حسین رو نگاه کن، انگار سیاوش جلوت وایساده، مثل سببی که از وسط دو

نیمش کرده باشن نیم اینجا و نیم در دریا

سهراب:

دنای عجیبی

وقتی اصغر آقا متوجه تصمیم حسین می شود و می فهمد که حسین برای ادامه راه پسرش سیاوش که زندگی سیاوش شاهنامه را تکرار کرده بود مصمم است، آهنگ نمایش به تدریج تغییر می کند: با صحنه هایی از صحنه های مرشد رضا که در تصویر می کند و نیز با نشان دادن صحنه گویایی که هروس در تخلیات اصغر آقا می رسد که چرا او را از رفتن شوهرش خبر نکرده و همچنین پرسش های مادر که "چرا گذاشتی بره؟" "مقدمات زایش داستان سیاوش از دل داستان سیاوش های امروز و فردا فراهم می شود. اصغر آقا با دیدن رنگ چای آلبالویی که در دست اسدالله است، خون سیاوش برایش تداعی می شود و احساس می کند که دلش می خواهد نقل سیاوش را بگیرد و نمایش با ریتم رزمی وارد فضای داستان سیاوش شاهنامه می شود. این یک نقالی ساده نیست، که یک رستاخیز است بار ستاخیزی که در آن حماسه سیاوش سه نسل، یعنی سیاوش دیر، سیاوش امروز و سیاوش فردا تو امان صورت میگیرد:

درباره نویسنده و کارگردان نمایشنامه

صادق هاتفی کمی بیش از چهل سال سن دارد. به جز تعدادی کار دانشگاهی (اتوهای درسی) تا پیش از فارغ التحصیل شدن کار نمایشی قابل ملاحظه ای ارائه نداده بود. در اواخر دهه ۴۰ در روزنامه کیهان نقد تئاتر مینوشت. سال ۷۵ نمایشنامه ای به نام "ولد کشته" نوشت و به کارگردانی خودش در تئاتر سنگلج به نمایش درآمد. در این نمایش، جمشید مشایخی هم بازی می کرد. سال ۷۹ نمایشنامه سیرک بزرگ باشکوه را به اجرا درآورد. نویسنده این نمایشنامه که اقتباسی بود از داستان "نیل در پرونده" خود او بود. نمایش نامه دیگری به نام "استقبال" نیز از آثار اوست که به کارگردانی خودش به اجرا درآمد. حدود ده سال پیش نمایشنامه "دستهای آلوده" اثر ژان پل سارتر را به اجرا درآورد. او در ۱۴ فیلم سینمایی نقش داشت که معروفترین آنها آوار و سیمرغ است. آخرین اثر او سوگ سیاوش برای اولین بار در سال ۷۷ به کارگردانی سیاوش طهمورث در سالن تئاتر شهر تهران به اجرا درآمد. این اجرا صادق هاتفی خود نیز بازی می کرد و نقش اسدالله را داشت. بار دیگر قرار بود در ایران به کارگردانی صادق هاتفی به اجرا درآید که به سبب مشکل تهیه سالن این اجرا میسر نشد. این نمایشنامه به کارگردانی نویسنده نمایشنامه، در تئاتر دوپاری پاریس با استقبال خوب تماشاگران مواجه شد و اجرای اخیر آن در شهر کلن بود.

نیدونم، اما می گه ...

حسین:

تاحالشم که موندم، محض خاطر گل روی اصغر آقا بوده

پرویز:

خیلی خاطر شمار می خواد

اصغر آقا:

نگفت کجای خواد بره

پرویز:

می گفتم

حسین:

بهرجا غیر از اینجا

پرویز:

میدونی اصغر آقا چی میگه؟ میگه

حسین:

از قفس مرغ بهر جا که رود بستان است

اصغر آقا:

یعنی حالا دیگه قهوه خونه ما قفس شد

پرویز:

والا فکر نکنم منظورش این بود، میگه ...

حسین:

وقتی جایی که هستی برات تنگ شد، دیگه نباید بمونی، دیگه

قفسه، حتی اگر باغ هشت بهشت باشه

پرویز:

منظور قهوه خونه نیست

اصغر آقا:

(کاملآ درخود) سیاوش ... (ومی نشیند)

اصغر آقا با گفتن "سیاوش ... می خواهد بگوید که حسین هم مثل سیاوش دارد میرود و این همان قرینه سازی زندگی سیاوش پسر اصغر آقا در حسین است. و بلافاصله مرشد رضا شرایط رفتن حسین و سیاوش را تصویر می کند: "صعب روزی بو العجب کاری، پریشان عالمی" این قرینه سازی و یاتشابه زندگی، در گوشه دیگری از نمایش با تاکید بیشتری گفته شده است. در اعتراض اسدالله به سهراب تنبک زن که می گوید قیافه سیاوش دیگر از یادش رفته می شنویم:

نمایش "سوگ سیاوش" در کلن

مهر داد کیمیایی

با این توصیف ها، تماشاگر در می یابد که سیاوش کنونی در زمره انسانهای نیکویی است که جان به راه چنان داده اند و در گوری بی نام و نشان خفته اند. کمی بعد معلوم می شود حسین، کارگر قهوه خانه که در نمایش چهره اش را کسی نمی بیند و تنها صدای اوست که از زیر زمین شنیده می شود، قصد رفتن دارد. این را از گفتگویی بین اصغر آقا و شاگردش می توان فهمید. در این بخش از نمایش، به هنگام نقل قولی که پرویز از حسین می کند، خود حسین بر صحنه ظاهر می شود تا تماشاگر چهره او را ببیند. نویسنده نمایشنامه در صحنه های بعد همین چهره را در بازی نقش سیاوش اصغر آقا و نیز سیاوش شاهنامه به کار می گیرد تا با به کارگیری روش قرینه سازی از زندگی سیاوش اساطیری، سیاوش امروز و سیاوش فردا. با تماشاگران سخن گوید:

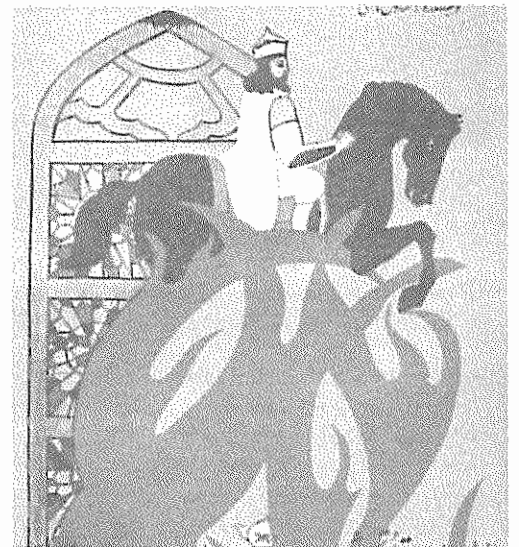
پرویز:

می خواد بره

اصغر آقا:

بره؟ چرا؟

پرویز:



در هزاره فر دوسی، نمایشنامه "سوگ سیاوش" به کارگردانی صادق هاتفی در روزهای نهم تا چهاردهم سپتامبر در سالن کوچک کوئست موله (muhle Kunst) اجرا شد. بازیگران این نمایش به ترتیب زیر بودند:

ایرج راد: اسدالله

هادی اسلامی: اصغر آقا

مرجان گلچین: هروس

دلداز گلچین: مادر

محمد شیرازی: سهراب

نصرت طاهری: مطاع: حسین

ساحل ساعت ساز: دختر خردسال اصغر آقا

مصطفی عبدالهی: مرشد رضا

حسین سحر خیر: پرویز شاگرد قهوه خانه

صدرالدین حجازی: یکی از سپاهیان

نمایشنامه "سوگ سیاوش" در پایان نخستین شب برنامه سخنرانی هایی که بنیاد فرهنگی محوی در دانشگاه کلن ترتیب داده بود (کنگره هزارمین سالگرد سرایش شاهنامه فر دوسی) بار دیگر به اجرا درآمد. دو روز بعد، در هامبورگ اجرا شد و قرار است از سوم اکتبر به مدت ۵ شب در مرکز لهستانی های شهر لندن در انگلستان نیز به اجرا درآید.

درباره نمایش:

فضای نمایشنامه یک قهوه خانه سنتی است. اصغر آقا پدر سیاوش، مرد جا افتاده ای است که سالهای بسیار نقالی می کرده، مدتی شغل فراموشی یک مدرسه را به عهده داشته است و اکنون سالهاست که نقالی نمی کند و از شغل فراموشی هم اخراج شده. او اکنون صاحب قهوه خانه ای است که نمایشنامه در آن اتفاق می افتد. اسدالله تقریباً هم سن و سال اصغر آقا و از دوستان و یاران قدیمی اوست. اسدالله در گذشته در اجرای نقش های شاهنامه با اصغر آقا به نمایش نقالی میپرداخته است. سهراب مرد جوانی است که در نمایش های نقالی همیشه نقش سهراب پسر رستم را بازی می کرده و نیز تنبک نواز و ضرب زن نمایش ها بوده است. مرشد رضا نقال سیاری است که به روایت نمایشنامه، از سیستان بر می گردد و باخود خبرهایی از کساد بازار نقالی در دیار تهمتن دارد. قهوه خانه پاتوق این دوستان قدیمی است که هزار چندگاه گرد می آیند و از روز و روزگار باهم صحبت می کنند. پرویز شاگرد قهوه چی شوخ و با نمکی است که تماشاگر از دهان اوست که خبرهایی درباره حسین، کارگر قهوه خانه که بیشتر در انبار زیر زمین مشغول کار است، می شنود. همسر اصغر آقا (مادر) و همسر سیاوش (هروس) شخصیت هایی از نمایشنامه اند که پیش از سایر شخصیتها حامل بار عاطفی نمایشند. این ها و دختر خردسالی (دختر اصغر آقا) که تنها در دو صحنه حاضر می شود، شخصیت های اصلی نمایشنامه را تشکیل می دهند. هنگامی هم که نقالی داستان مرگ سیاوش از دل زندگی آدم های بازی می جوشد، همین شخصیت ها باز یگر نمایش نقالی می شوند، و البته در این کار تعمدی است برای نشان دادن استمرار تراژدی سیاوش در زندگی کنونی.

تماشاگران از همان ابتدای نمایشنامه در می یابند که سیاوش پسر اصغر آقا کشته شده. چگونه؟ پاسخ روشنی در میان نیست. شاید در جبهه، شاید ... نمی توان به گونه ای روشن بر آن انگشت گذاشت. اما در یکی از صحنه ها یک مسئله برای تماشاگر معلوم می شود: هروس اصغر آقا در صحنه ای می گوید که گور شوهرش بی نام و ناپیداست:

"بارون همه سنگ هارو شست، گورش گم شد و ماهر جای زمین به دنبال گوری گمشده بودیم، سرگردان و آشفته."

و در همان صحنه مادر سیاوش یعنی همسر اصغر آقا می گوید:

"صدایم زیر گنبد شهر پیچید. جز پژواک خبری نیومد، حس کردم می بینمش، حس کردم برگرده ستاره فلکی سواره و دور میشه، ..."

ای شرکت در بازی های آسیایی

کاروان ورزشی ایران به پکن می رود

بسکتبال، شمشیربازی و وزنه برداری در مسابقات حضور دارد. تنها تیم بانوان ایرانی را تیم تیراندازی تشکیل می دهد. در حاشیه

تیم ملی بسکتبال، شمشیربازی و وزنه برداری در مسابقات حضور دارد. تنها تیم بانوان ایرانی را تیم تیراندازی تشکیل می دهد. در حاشیه

تیم ملی بسکتبال، شمشیربازی و وزنه برداری در مسابقات حضور دارد. تنها تیم بانوان ایرانی را تیم تیراندازی تشکیل می دهد. در حاشیه

ل بر اطلاع خبرگزاری وری اسلامی، کاروان شی ایران با ۱۷۰ ورزشکار، و سرپرست روز یکشنبه ۲۵ یور ماه هازم پکن شد تا در همین دوره مسابقات آسیایی بسکتبال، شمشیربازی و وزنه برداری در مسابقات حضور دارد. تنها تیم بانوان ایرانی را تیم تیراندازی تشکیل می دهد. در حاشیه

ورزشگاه آزادی در خطر ویرانی

بنا به گزارش نشریه کیهان ورزشی، ورزشگاه آزادی در خطر ویرانی قرار گرفته است. این ورزشگاه ۱۷ ل پیش در جریان بازیهای آسیایی تهران افتتاح گردید و مورد بهره برداری قرار گرفت. مجموعه ورزشی آدی که با صرف هزینه های هنگفت احداث گردید یکی از بزرگترین و کم نظیرترین ورزشگاه ها لاقل در سطح ه آسیاست. این ورزشگاه بزرگ تنها ۱۷ سال پس از تاسیس روبه فرسایش و ویرانی نهاده و بی توجهی مسئولان ورزشی رژیم نسبت به ترمیم خرابی ها و بازسازی آنها این فرسایش و ویرانی را به یک خطر جدی برای ی این ورزشگاه بزرگ تبدیل کرده است.

ورزشگاه و مجموعه ورزشی آزادی با امکانات فراوان و گسترده خود سرمایه بزرگ ورزش کشور ماست، رمایه ای که اگر از دست برود، دوباره بدست آوردن آن، بویژه در شرایط حاکمیت رژیم بی لیاقت فعلی امری عال و ناممکن است. رژیم جمهوری اسلامی به دست آورده این کشور ما چنین کرده است. نه تنها خود چیزی بر نانیفزوده، بلکه آنچه را که بوده نیز به سمت نیستی و نابودی کشانده است.

ما نیز به سهم خود با هشدار مطبوعات ورزشی ایران، برای نجات این مجموعه بزرگ و یگانه ورزشی نورمان همصدای شویم.

شطرنج قهرمانی ایران

سکتبال جوانان آسیا:

تیم ایران دهم شد

تیم ملی بسکتبال جوانان بران در یازدهمین دوره سابقه های قهرمانی آسیا به مقام هم رسید. این مسابقات در نیمه ال شهر یورماه در شهر ناویای اپن برگزار شد. در قسمت بران ۱۳ کشور تیم های خود را، این مسابقات فرستاده بودند. یم ایران در مسابقات مقدماتی با یم های فیلیپین و هنگ کنگ هم روه شد و هر دو مسابقه خود را اخت. جوانان ایران در برابر یلیپین ۱۱۴ بر ۶۷ و در برابر نگ کنگ ۷۱ بر ۶۲ شکست خوردند. و نتوانست جزو ۸ یم اول آسیا قرار گیرند. در حله دوم ایران برای کسب یکی ز مقام های نعم تا سیزدهم مسابقه با تیم های هندوستان، سری لانکا و کره جنوبی برگزار نرد. دو مسابقه اول با نتایج ۶۹-۶۷ و ۶۷-۶۴ به نفع تیم ایران تمام شد. بسکتبالیست های ایران در آخرین مسابقه خود ۱۱۹ بر ۵۱ مغلوب کره جنوبی شد و به مقام دهم رسید. بسکتبالیست های اپن و سوریه مقام های اول و دوم این مسابقات را بدست وردند.

در قسمت بانوان که با حضور ۱۰ کشور برگزار شد، ختران کره جنوبی با پیروزی بر اپنیها، به عنوان قهرمان آسیا ست یافتند. تیم ایران در قسمت نوان شرکت نداشت.

ریبسی، فرشید سبحانی، سعید قطاع، ناصر انجانی و سیاوش خواجه ای، ۱۵ شطرنج باز برگزیده ای هستند که همراه خسرو هرنی استاد بین المللی شطرنج، مرحله نهایی مسابقات قهرمانی ایران را برگزار خواهند کرد. این مسابقات از روز شنبه ۳۱ شهریورماه و بصورت دوره ای آغاز خواهد شد. در جریان این پیکارها ۶ شطرنج باز تیم ملی، جهت حضور در المپیاد شطرنج یوگسلاوی برگزیده خواهند شد.

بیست و سومین دوره المپیک ارمانه

میکنند. بانوان در رشته و آتایان در ۱۰ رشته ورزشی با یکدیگر مسابقه میدهند. بازیهای امسال ارمانه ایران با یاد جان باختگان زلزله اخیر کشورمان برگزار میگردد.

بیست و سومین دوره المپیک ارمانه کشورمان از نیمه شهریور ماه آغاز شد. این مسابقات ۱۵ روز به طول می انجامد و در آن ۲۵۰۰ ورزشکار دختر و پسر در گروه سنی جوانان و بزرگسالان پیکار

آغاز مسابقات فوتبال منطقه ای ایران

مسابقات فوتبال منطقه ای ایران روز جمعه ۱۶ شهریور با انجام ۱۳ مسابقه آغاز شد. این مسابقات با شرکت ۳۲ تیم و در چهار منطقه برگزار میشود و منظور از آن گزینش تیمهای دسته اول، دوم و سوم مسابقات باشگاههای کشور است. از ۳

مسابقه مهم نخستین روز ۲ مسابقه به تساوی رسید. تام و ژاندارمری اصفهان بدون گل و ماشین سازی و تراکتورسازی تبریز بایک گل به تساوی رسیدند. منظور از آن گزینش تیمهای دسته اول، دوم و سوم مسابقات باشگاههای کشور است. از ۳

بیست و هفتمین دوره مسابقات جهانی کشتی آزاد، یکشنبه شب ۱۹ شهریورماه به پایان رسید. این مسابقات در توکیو پایتخت ژاپن انجام شد و کشتی گیران بیش از ۴۰ کشور جهان در آن شرکت کردند. این مسابقات به روال معمول با قهرمانی تیم ملی کشتی آزاد شوروی پایان یافت. شوروی ها سالمای متعددی است که قهرمان کشتی آزاد جهان هستند. در این مسابقات شوروی به ۴ مدال طلا دست یافت. کوبا ۲ مدال طلا گرفت و تیم های ایران، بلغارستان، چکسلواکی و امریکا نیز هر کدام یک مدال طلا کسب کردند.

تنها چهره طلایی تیم کشتی ایران مجید ترکان در وزن ۵۲ کیلوگرم بود. وی در دیدار فینال در یک کشتی عالی با نتیجه ۸ بر ۲ و آلتین یوروانف، کشتی گیر بلغاری و قهرمان ۴ ساله جهان را شکست داد. مجید ترکان به عنوان ستاره مسابقه های جهانی توکیو معرفی شد. علاوه بر مدال طلای پر ارزش ترکان تیم ایران در وزن های ۷۴ و ۹۰ کیلوگرم نیز به ۲ مدال برنز دست یافت. در ۷۴ کیلوگرم امیر رضا خادم با پیروزی ۷ بر صفر مقابل کشتی گیر رومانیایی مدال برنز به گردن آویخت. حسن محبی ملی پوش ۹۰ کیلوگی ایران دیدار رده بندی را با حساب ۴-۳ بر حریف آلمان غربی پیروز شد و برنز گرفت.

از بدشانسی های تیم ایران حذف مسگری محمدیان نایب قهرمان سابق جهان و المپیک بود، که در میان ناباوری همگان در دوره های مقدماتی صورت گرفت. هم چنین علیرضا سلیمانی قهرمان ۱۳۰ کیلوگی جهان در سال گذشته، در آستانه مسابقات اعلام کرد که بدلیل آسیب دیدگی قادر به شرکت در مسابقات نیست! این عمل سلیمانی با واکنش تند و اعتراض مجامع ورزشی ایران مواجه شد. به جای سلیمانی رضا سوخته سرایی قهرمان سابق جهان روی تشک رفت و علیرغم نداشتن آمادگی و سن زیاد، شرافتمندانه کشتی گرفت. سوخته سرایی در وزن خود هشتم شد و ۳ امتیاز حساس برای تیم ایران به ارمغان آورد.

نکار نامه کشتی گیران ایران در توکیو ۴۸ کیلوگرم: زینل نیا تنها با یک شکست مقابل کشتی گیر آلمان غربی از دست یابی به مدال محروم

* رده بندی نهایی

۱- شوروی	۴ طلا	یک نقره	سه برنز	۸۰ امتیاز
۲- امریکا	یک طلا	سه نقره	یک برنز	۷۳ امتیاز
۳- بلغارستان	یک طلا	پنج نقره	—	۷۲ امتیاز
۴- ایران	یک طلا	—	دو برنز	۴۱ امتیاز
۵- ترکیه	—	—	یک برنز	۳۸ امتیاز
۶- کوبا	دو طلا	—	یک برنز	۳۳ امتیاز

بقیه از صمحه ۴

معیری: "چو کاروان رود، فغانم از زمین بر آسمان رود، دور از یارم، خون می بارم" که بنان آن را خوانده بوده گوش می رسد. این صدا و این موسیقی تماشاگر را از فضای اساطیری به فضای امروزی می کشاند.

* * *

اگر کل نمایشنامه را به دو بخش، بخشی که زندگی امروزی را نشان می دهد و بخشی که وارد فضای اساطیری شاهنامه می شود تقسیم کنیم، باید گفت که قسمت دوم نمایشنامه در ارتباطی کاملاً نزدیک با بخش اول و گاه به صورت آمیزه ای با آن ادامه می یابد، تماشاگر هیچگاه اصرار آقا را از نقل و رستم جدا نمی کند، هیچگاه اسدال را از سیاوش شاهنامه، سیاوش شاهنامه را از حسین و از سیاوش اصغر آقا و ... جدانمی بیند.

تماشاگر در می یابد که اسطوره ها از زندگی جوشیده اند و زندگی نیز تحت تاثیر اسطوره ها است. استفاده مناسب از آواز و موسیقی (تنبک و ضرب زورخانه ای) در ایجاد ارتباط نقش مهمی ایفا کرده است. ریتم در صحنه ها نقش شگفتی دارد. صدای مصطفی مهدالهی (مرشد رضا) و دلدار گلچین (مادر) در حد هنرپیشگان تاثیر کم نظیر است. همینطور ضرب و تنبک محمد شیرینی. در اینجا بجاست که از انتخاب مناسب بازیگر توسط کارگردان یاد کنیم - بازیگرانی که همگی ظرفیت صدایی بالایی دارند و خوش آوازند. هر چند که این کار می توانست با کمک آهنگسازان برجسته ای که در ایران هستند از نظر فضا سازی با موسیقی، ارزش های بیشتری داشته باشد.

از بازی های قوی همه هنرپیشگان و بویژه از بازی استادانه ایرج راد و هادی اسلامی باید یاد کرد و بر آنها ارج گذاشت.



نمایش سوگ سیاوش با مویه های مادر سیاوش (زن اصغر آقا) که در کنار پیکر خونین سیاوش

تیم ایران به مقام چهارم کشتی جهان دست یافت

* مجید ترکان مدال طلا گرفت

شد و به مقام پنجم رسید. زینل نیا در این مسابقات شایستگی زیادی داشت. او موفق شد الدومارینتز کوبایی را که قهرمان جهان شد، در روز پنجم با نتیجه ۴-۱ شکست دهد.

۵۲ کیلوگرم: مجید ترکان با پیروزی بر همه حریفان به مدال طلا دست یافت.

۵۷ کیلوگرم: مسگری محمدیان با ۲ پیروزی و ۲ شکست در پایان دور چهارم از مسابقات حذف شد و در جای دهم قرار گرفت.

۶۲ کیلوگرم: تقی اکبرنژاد پس از پیروزی در دور اول با شکست مقابل کشتی گیران کانادا و بلغارستان از جدول حذف شد.

۶۸ کیلوگرم: علی اکبرنژاد نیز پس از ۳ دور، با یک پیروزی و ۲ شکست از ادامه مسابقات بازماند.

۷۴ کیلوگرم: امیر رضا خادم بعد از اینکه مسابقه برای سرگروهی را ۶-۵ به رحمت صوفیادی از بلغارستان باخت، بر سر کسب مدال برنز با حریف رومانیایی مبارزه کرد و با شایستگی به پیروزی رسید.

۸۲ کیلوگرم: محمد حسین محبی پس از چهار کشتی با دو باخت و دو برد از ادامه مسابقات محروم شد. محبی به حریفان شوروی و چکسلواکی (برنده مدال طلای این وزن) باخت و کشتی گیران سری لانکا و فرانسه را شکست داد.

۹۰ کیلوگرم: حسن محبی مسابقه سرگروهی را ۵-۸ مغلوب خاداراتسوف قهرمان جهان و المپیک شد و در دیدار رده بندی اشنیدر از آلمان غربی را شکست داد و به مدال برنز دست یافت.

۱۰۰ کیلوگرم: جعفر خدایی بعد از ۳ پیروزی و یک شکست در برابر راوسکی از لهستان قرار گرفت و ۴-۲ به او باخت. خدایی در گروه خود سوم شد و در دیدار رده بندی نیز شکست خورد و ششم شد.

۱۳۰ کیلوگرم: سوخته سرایی در دور اول به کشتی گیر امریکا باخت. وی سپس حریف چینی را ۵-۰ شکست داد و بر رقبای لهستان و مجارستان نیز به پیروزی رسید. او در دور چهارم در وقت اضافی به چکسلواکی باخت. آخرین مسابقه سوخته سرایی در برابر باربوتوف بلغاری بود که سوخته سرایی ۴-۰ صفر شکست خورد و به مقام هشتم رسید.

اساطیری ندبه سر می دهد پایان می گیرد. این ندبه ها آشناست و طنینش قلب تماشاگران را به لرزه می افکند و بار دیگر سلامت سوال بزرگی در ذهن تماشاگر ترسیم می کند که سیاوش کیست؟ مادر:

دلدم دریا دلدم دریاست امشب

میون خینهام غوغاست امشب

همه راهها پراز گرگ و شغال

عزیزم در سفر تنهاست امشب

مادر به اصغر آقا میرسد لحظی بالای سرا می ایستد -

تو حیات سیاوشان زده، باغچه پر سیاوشان شده، نمی خوی بیینی؟ نمی خوی بیای خونه

ضربه طبل عروس و همه چیز فیکس می شود.

بدین ترتیب داستان سیاوش شاهنامه فردوسی، شرح سوگ دردالوده انسانهایی می شود که سیاوش های دیروز و امروز و فردای جامعه هستند.

این که چرا از میان شخصیت های اسطوره ای و حماسی شاهنامه، سیاوش انتخاب شده است، خود نکته ای در خور توجه است. مثلاً چرا کاوه و یارستم برای زنده کردن شاهنامه انتخاب نشده اند؟ زیرا که هم رستم و هم کاوه در عین آزاد مردی و ستم ستیزی، در عین نیکخواهی و انسان دوستی و ... نماد ستیزه جویی و کین خواهی نیز بوده اند. هر چند این کینه ها و ستیزه جویی ها متوجه دشمنان ایران بود. سیاوش اما، در عین رزمندگی، حتی کینه دشمنان را نیز در دل نمی پرورد. او مظهر نیکخواهی، انسان دوستی، عشق ورزی، صلح دوستی و آزاد اندیشی است. سوگنامه سیاوش نه تنها نقل اسطوره و تاریخ که مرثیه مکرر سرنوشت های جاری است. حکایت سرنوشت جان های شیفته و بیداری است که در ظلام استیلای کاووس ها و افراسیاب ها، از موازین بشر دوستانه و اخلاقی روی نمی گردانند. سیاوش نماد عنصر پویای نوین ترین اندیشه های بشر دوستانه امروز است.

جهان سوم

در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب

روند پر تحول و گونه‌گون توصیف جهان سوم در ادبیات کودکان و نوجوانان غرب مضامینی همچون ارائه تصاویر از کشورهای جهان سوم، بیان عجیب و شگفتی‌های آنها، شرح جریان‌ها و سیاست‌های استعماری و کمک‌های بی‌ثمر غرب به این ممالک را شامل می‌شود. در طول سده‌های اخیر شرح و پرداخت وحشیگری و نامتمدنی اهالی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین محور اصلی ادبیات کودکان و نوجوانان در غرب بوده است. آثار نویسندگان مختلف گرچه دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوتی را ارائه می‌دهند، اما همه آنها در نهایت از مضمون مشابهی برخوردارند. تاکنون دانیل دافو نویسنده کتاب “روبنسون، کروزو”، نماینده کلاسیک ادبیات کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌آمده است. روبنسون کروزو که در سال ۱۷۱۹ انتشار یافت به بزرگترین رمان ماجراجویی قرن هجدهم تبدیل شد، به‌گونه‌ای که بسیاری از نویسندگان متأخر ادبیات کودکان به سبک و سیاق آن تاسی جستند. تصویر و ارائه زندگی انسان نامتمدن در میان طبیعت وحشی که درونمایه رمان روبنسون کروزو بود، توجه و شیفتگی بسیاری از معاصران را برانگیخت. اما در قرن نوزدهم ارائه و پرداخت سیمای “وحشی اصل”، که به هیچ معیار اخلاقی پایبند نبود، خریدار و رونق چندانی نیافت. اینک “وحشی اصل”، تنها به آن چیزی اطلاق می‌شد که از چهار چوب معیارها و موازین تمدن اروپایی فراتر نمی‌رفت. این شیوه اندیشگی را می‌توان در آن دسته آثار ادبی نوجوانان که در نیمه دوم سده نوزدهم به زندگی سرخپوستان پرداخته‌اند، مشاهده کرد. تقسیم سرخپوستان (با معیارهای اروپایی) به دو گروه خوب و بد، بیانگر احساس متناقض و دوگانه نویسندگانی همچون کارل مای، فریدریش گرشنکر یا گابریل فری در برخورد با انسان‌های نامتمدن آمریکای شمالی است.

در حالی که سیمای سرخپوستان آمریکای شمالی در ادبیات کودکان ونوجوانان تاکنون همگون و یکدست ارائه شده، لیکن در موزد ارائه تصویری از انسان آفریقایی در کتاب‌های نوجوانان هیچ تجربه و پیشینه ادبی همگون و واحدی وجود ندارد. برحسب منافع و علایق گوناگون جهان غرب در دوره‌های مختلف، شخصیت انسان آفریقایی در ادبیات نیز دستخوش دگرگونی و تغییر شده است.

با شکل‌گیری اتحادیه استعماری آلمان در سال ۱۸۸۲ و باورود آلمان به منازعات استعماری برای تصاحب بخشی از قاره آنتاب، انسان آفریقایی که تاآن زمان در ادبیات نهاداصلت و نجابت بود، به وحشی بربری تنزل یافت که به بردگی گرفت و کشتنش مجاز بود، امری که با علایق و منافع رهبران استعمار همخوانی داشت.

استعمارگرایی در ادبیات کودکان و نوجوانان

پس از جنگ جهانی دوم در میان آثار ادبی کودکان و نوجوان کمتر کتابی به تبلیغ صریح و آشکار نژادپرستی پرداخته است.

در دهه ۵۰ و آغاز دهه ۶۰ با رجعت دوباره خشونت‌گرایی به ادبیات کودکان و نوجوانان ارائه نها و سیمای همگون و یکسان از تمام جهان سوم رونقی

دوباره یافت. در اثر مارلن رایدل به نام “آسفر دور دنیای کامیر” که جایزه کتاب نوجوانان را از آن خود ساخت، حکایت آدم‌خواری آفریقاییان دوباره هلم می‌شود. بنا به نوشته کتاب کامیر همینکه یا به آفریقا میگذارد به‌وسیله آدم‌خواران گرسنه شکار می‌شود. پس از انتشار کتاب رایدل مضمون آن بارها از سوی نویسندگان دیگر به‌وام گرفته شده است، با این تفاوت که کامیر دیگر نه از سوی آدمخواران بلکه بوسیله تمساحان شکار می‌شود. البته بسیاری از نویسندگان کودکان و نوجوانان از چنین مضامینی دوری جست‌ه‌اند. در بسیاری از آثار نگاشته شده در باره شخصیت و کارهای جهانگردان پژوهمشگر نویسندگان پژوهشگرانه قدیمی را مبنای کار نهاده و روایت‌های قدیمی را در شکل و ساختاری نوین هرژه داشته‌اند. در میان چنین نویسندگانی می‌توان از هانس اتومایزنر و کورت لوئگن نام برد.

ادبیات نوجوانان متأثر از “جنبش جهان سوم”

یک بررسی موشکافانه در کتاب‌های نوجوانان منتشره در دهه ۶۰ و ۷۰ نشان می‌دهد که در این محدوده زمانی نزدیک به ۹۰۰ اثر درباره جهان سوم انتشار یافته‌اند. البته چاپ دوباره برخی آثار قدیمی را نیز باید در این رقم به شمار آورد. این بررسی آشکار می‌سازد که جهان سوم در بسیاری از این آثار پادیدی اروپا-مرکزی (euro zentrisch) ، نژادپرستانه و خودبینانه پرداخت و ارائه شده است. انسان‌های آفریقایی در بسیاری از این آثار در جایگاهی پست و فرودست قرار داده شده‌اند و از آنها سیمایی بی‌فرهنگ، نادان و بی‌تمدن و وحشی ارائه شده است. تنها نویسندگان شمار اندکی از کتاب‌های مورد مورد بررسی (که بخشی آلمانی و بخشی اهل دیگر کشورهای اروپایی هستند) تلاش ورزیده‌اند که پرداختی واقعگرا و بی‌فرضانه از انسان جهان سوم به‌دست دهند.

در دهه هفتاد همراه با اوج‌گیری جنبش دانشجویی در اروپا طرح هر چه بیشتر درونمایه‌های اجتماعی در ادبیات کودکان و نوجوانان به خواستی فراگیر بدل شد. طرح و پرداخت هر چه بیشتر مسئله جهان سوم در ادبیات کودکان و نوجوانان نیز که تا آن زمان مسئله‌ای فرعی به‌شمار می‌رفت، از پیامدهای همین روند بود. در آثاری که از آن پس نگاشته شده‌اند (و در آنها جهان سوم نه به عنوان صحنه ماجراهای میجان انگیز طرح و پرداخت شده است) اهداف چندی را می‌توان باز شناخت: در این آثار تلاش شده است که توجه و حساسیت جوانان به ساختار نامادلانه جهان سوم برانگیخته گردد و جایگاه و نقش جوانان در جوامع صنعتی در رابطه با مسئله جهان سوم تشریح و بازگو شود. در همان حال کوشش شده است که خواننده به آگاهی بیشتری نسبت به فرهنگ‌های جهان سوم دست یابد و همسانی و شباهت‌های زندگی روزمره مردمان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را بازشناسد.

طرح موضوع جهان سوم در ادبیات کودکان و نوجوانان از سویی با جنبش موسوم به “جنبش جهان سوم”، در آلمان غربی نیز بی‌ارتباط نیست.

این جنبش از سوی دولت آلمان غربی با هدف باصطلاح کمک به توسعه جهان سوم سازمان داده شد. تجارب، دیده‌ها و یافته‌های

اکثریت

دگرگونی دیدگاه‌ها

در ادبیات

کودکان و نوجوانان

همچنین در کتاب اتمار فرانس

به نام “آبه گروم - گروم نرو” (۱۹۸۴) نیز مسئله کمک قرب برای توسعه جهان سوم مضمون محوری است. نویسنده به رقم گرایش شدیدش به اروپا-مرکزی از اشاره به پیامدهای منفی کمک‌های کشورهای اروپایی نیز غافل نمی‌ماند: “بزرگترین اشتباه همانا تلاشی است که در جهت تعمیم دادن روابط و مناسبات اروپایی در جهان سوم انجام می‌گیرد. اما اینجا آفریقا است و ما قادر نخواهیم بود که از آن اروپایی دیگری بسازیم. اگر همه به این کار توفیق یابیم آنچه‌که ساخته خواهد شد سخت دهشتناک خواهد بود.”

در این کتاب بر سودمندی کمک‌های انسانی همچون ایجاد بیمارستان و یا فعالیت پزشکان اروپایی در گروم - گروم تأکید شده است. اما اتمار فرانتس در کتاب خویش با دم زدن از شایستگی انحصاری سفیدپوستان برای پیشرفت و ترقی قرون پوشیده و قیم‌مایانه خود را نیز به نمایش می‌گذارد.

در میانه دهه هشتاد با آشکار شدن ناسودمندی و بعضاً نقض فرض بودن کمک‌های رایج قرب برای حل دشواری‌های جهان سوم، تأثیر و حضور زیانمند این مقوله در ادبیات کودکان نیز کاستی گرفت. در پیامد این فرآیند درونمایه داستان‌های نوجوانان نیز از هزاره باره دستخوش دگرگونی شد و انسان جهان سوم که تا آن زمان در ادبیات نوجوانان نقشی فرعی و حاشیه‌ای داشت به عنصر اجتماعی فعالی فرارویدید که سرنوشت خویش را خود رقم می‌زند. اما دیدگاه نوین در ادبیات کودکان نیز در متن خود هاری از تناقض نیست. اگر در گذشته تکرر دیدگاهی اروپایی در ادبیات نوجوانان با استناد به اروپایی بودن شخص اول داستان قابل توجه و پذیرفتنی بود، لیکن نویسندگان دهه هشتاد که شخصیت اصلی آثارشان جهان سومی و برخاسته از فرهنگی متفاوت است باید که ضرورتاً دیدگاه اروپایی خویش را به کناری نهند و از روزنه‌فرهنگ و تجارب شخصیت‌های آثارشان به رویدادها و پدیده‌ها بنگرند، امری که بغایت دشوار و صعب است.

این نویسندگان ضمن بذل توجه به واقعیات بیرونی باید با ارائه و پرداخت خوب روحیات و رفتار انسان جهان سوم خواننده را به شناخت فرهنگ گونه‌گون جهان سوم نیز رهنمون شوند و همینجا است که تناقضی ناگشودنی پدیدار می‌شود، زیرا به رقم دقت و ظرافت بسیار نویسنده اروپایی، باز هم اثرش چه به لحاظ مضمونی و از جنبه سبک و ساختار مهر و فرهنگ اروپایی را برخواهد داشت. از همین روست که بحث‌های مربوط به کمک‌های غرب به جهان سوم در آثار نویسندگان دهه هشتاد نیز کمک‌ان یکی از محورهای عمده است، با این تفاوت که کمک از خارج به شیوه سابق نفی می‌شود و “خودیاری” کشورهای جهان سوم جایگزین آن می‌شود، اما این “خودیاری” به شیوه‌ای گنگ و مبهم مطرح می‌شود و شمای روشنی از آن ارائه نمی‌گردد.

چنین مشکلی را برای مثال در کتاب رودیگر پیرت موسوم به “اسپر انتسا یعنی امید” (۱۹۸۸) می‌توان مشاهده کرد! دهکده اسپرانتسا واقع در فیلیپین نیز از شمول کمک‌های غرب بی بهره نمی‌ماند و تعدادی ساک سفری ساخت آمریکا نیز نصیب آن می‌شود. مواد غذایی داخل این ساک‌ها قبل از سوی دلالان ذینفع تصاحب شده و به قیمت گزاف در بازار سیاه به فروش رفته است. رامون، شخصیت اصلی رمان اخلاقی آتای زبیرت، ناظر استثمار وحشیانه

کارگران مزارع نیشکر از سوی زمیندارن است. تقسیم نامادلانه زمین، فقر، اخراج و عدم تأمین اجتماعی و پیوند این پدیده‌ها با تاریخ استعمار فیلیپین به نحو تکاندهنده‌ای از زبان رامون بازگو می‌شود. زبیرت راه آشکاری برای برون رفت از دایره شیطانی فقر و استثمار ارائه نمی‌دهد. برادر رامون که عضو جنبش چپگرای “ارتش نوین خلق” است به قتل می‌رسد. رامون راه نجات را در آموزش و با سوادی می‌بیند. باری، پیام کلی و ناروشن کتاب آتای زبیرت در این حکم خلاصه می‌شود: رهایی تنها از درون و بدست خود مردم امکانپذیر است. همبستگی و پایداری همگانی راه را به سوی رهایی خواهدگشود.

ادبیات اصیل جهان سوم.

آنچه که به‌تازگی از ادبیات کودکان و نوجوانان در زمینه مسائل جهان سوم انتظار می‌رود اصالت و واقع‌گرایی است. از مدتها پیش کتاب‌هایی از نویسندگان آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین در بازار کتاب کودکان و نوجوانان یافت می‌شده‌اند. اما در سال‌های اخیر شمار چنین کتاب‌هایی پیوسته فزونی گرفته است و خوانندگان اروپایی نیز کششی فزونت‌ر آگاهانه‌تر به‌این کتاب‌ها نشان می‌دهند.

با افزایش این گونه کتاب‌ها کارشناسان کتاب‌های جهان سوم امیدوارند که تناقض دیرینه میان دیدگاه فرهنگی نویسنده اروپایی و فرهنگ بیگانه‌ای که وی به توصیفش می‌پردازد برطرف شود.

اکنون به‌درستی این سوال پیش می‌آید که جذابیت و کشش ادبیات “اصیل” در کجا نهفته است و آیا شیوه برخورد و کشش فزاینده اروپاییان اسطوره اصالت و تمایز فرهنگ جهان سوم را که از سوی همین اروپاییان ساخته و پرداخته شده، تداوم و بقا نمی‌بخشد؟

نام کتابی است از کارن پرس‌یکی از نویسندگان آفریقای جنوبی. جان کلام کتاب انشای ابعاد و تأثیرات تبعیض‌نژادی در آفریقای جنوبی است. “خاکبردار زرد کوچک”

قهرمان داستان، از اینکه بچه‌ها از او گریزانند و به سویش سنگ‌پرانی می‌کنند ملول و ناراحت است. یک روز که تعدادی ماشین برای ویران کردن زاهدای هجوم می‌آورند، ماشین زرد و کوچولو خود را با هستگی از صف آنها کنار کشیده و پنهان می‌شود. در این میان با دو نوجوان سیاه آشنا می‌شودو ضمن گفتگو با آنها درمی‌یابد که کلیه آنها برخلاف میلشان ویران می‌شود، خاک‌بردار کوچک ضمن پیشبینی از همکاری‌اش در این ویرانگری نوجوانان را یاری می‌دهد تا کلیه خویش را دوباره برپاسازند. پیام کتاب کارن پرس عبارت است از: “نه آنچه که هستی، بلکه آنچه که می‌کنی مهم است.” د باعث و تازگی این کتاب همانا در پرداخت ساده و افسانه‌گون مضمون آن نهفته است که خشونت و تالانگری دستگاه تبعیض‌نژادی را به زبان بچگانه و باظرافت بازگو می‌کند. یک نویسنده اروپایی بعید بود که بتواند از چنین درونمایه‌ای که چندان تازه و بکر هم نیست، پرداختی چنین بدیع و جسورانه ارائه دهد. بسیاری از حکایات و داستان‌های مردمی جهان سوم نیز افسانه گویند. این حکایت و داستان‌های حاوی تجارب و یافته‌های این مردمند و در همان حال هادات و رسوم آنها را نیز بازتاب می‌دهند.

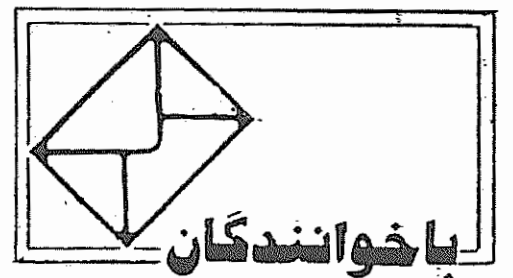
انتشارات لامو ناشر کتاب‌های (BAOBAP) است. به ابتکاری ستودنی دست است. این انتشاراتی در صدد است که با همکاری بنیادهای کودکان در کشورهای جهان، آثار نویسندگان آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را ترجمه کند. این راستا تاکنون ۶ کتاب تر و منتشر شده‌اند. یکی از این کتاب از خانم آناها ریماخادوا، که “رتکین کمان” نام دارد تصاویر سیاه و سفید انتشار یافته است. مضمون کتاب از این است: حاکم مستبد یکی کشورها همه رنگ‌ها را قد می‌کند. بزرگان بتدریج رنگ از یاد می‌برند. روزی بچه‌ها آسمان رنگین‌کمانی را می‌بینند و خود و کیفیت رنگ‌ها درمی‌یابند. از آن پس تخیل تصورات کودکان هرچه بیش رنگین می‌شود، امری که مبار کودکان در راه آزادی رنگ‌ها دامن می‌زند. این مبار سرانجام به سقوط دیکتات می‌انجامد.

مضمون کتاب برای نوجوان آمریکای لاتین دشوار و فیرقا فهم نیست، چرا که از زندگی روزمره آنها چندان به‌دور نیست اما خواننده اروپایی برای در درونمایه کتاب به آگاهی و اطلا بیشتری از وضعیت این کشور نیازمند است.

کتاب مصور آتای “ایزوبیو پوکو” که با نام “وار یا کشور” را می‌بیند، انتشار یافته است می‌تواند آثاری برای رفع کژپها، دیدگاهی باشد که از ادبیات اصیر جهان سوم درکی غیر متعارف افرات آمیز دارد. خوانندگان جوان از زبان واریاباسن و فرهنگ سرخپوستان آیاما در بولیوی آشد می‌شوند. نکته قابل انتقاد در این کتاب شاید ناهمخوانی گهگاهی میان تصویر و متن باشد. کتاب “میدان نبرد” نوشته نویسنده معروف نیجریه خانم بوشی امکت شاید نمونه خوبی برای تأیید دیدگاه کسانی باشد که در اصالت و تمایز ادبیات جهان سوم راه افرات می‌پویند: پایان جنگ بیافرا چرخش و تحولی را در فرهنگ آلهالی نیجریه موجب می‌شود. ارزش‌ها و معیارهای پیرترها برای نسل جوان نامفهوم و درک ناشدنی می‌نماید. میان گروهی از نوجوانانی که والدین خود را در جنگ از دست داده‌اند با جوانان ده همسایه دعوا و کشمکش در می‌گیرد. زمانی که دعوا ابعاد خطرناکی به خود می‌گیرد، پیران محل جوانان را به کشتی سنتی با یکدیگر ترفیب می‌کنند. در پایان جوانان درمی‌یابند که ارزش‌ها و سنن پیران نیز به نوبه خود از رשמندند. برای خواننده جوان آلمانی یقیناً درک کتاب سهل و آسان نیست، زیرا که درونمایه آن با توقعات و رهیافت‌های اروپایی همخوانی چندانی ندارد. بیان ماجراجویی و رمی کتاب که با درک اروپایی از کشمکش و حادثه تباین دارد، می‌تواند به دلزدگی و بی‌زاری خواننده ماجرادوست آلمانی بیانجامد.

با اینهمه شناس درک و فهم فرهنگ‌ها نسبت به یکدیگر در همین شیوه کارها نهفته است. در جهان سوم پی‌ریزی ادبیاتی جانبدار که به نیازهای روحی و اجتماعی نوجوانان پاسخ دهد و بر سنن و ارزش‌های مثبت این جوامع مبتنی باشد، گامی است به سوی خودآگاهی و آمادگی برای در دست گرفتن سرنوشت خویش.

* * * * *volkszeitung



بحرالعلوم‌های وطنی

سخنرانی آقای شاملو، شاعر گرانقدر و وطن‌مان، در آمریکا در برکلی و ایراد نظراتی پراکنده و بسیار تلگرافی راجع به موسیقی سنتی ایران هکس‌العمل‌های تند را دامن زد. کار بدانجا کشید که علاوه بر شعبان بی‌مخ‌های مقاله‌نویس سلطنت‌طلب، کسان دیگری که در دامنه هنر و بخصوص موسیقی سری توی سرها دارند، در صد پاسخگویی به برخی اظهارات خارج از محدوده‌ی ایشان برآمدند. یعنی آقای لطفی سعی کردند پاسخی فراخور به ایشان بدهند تا ضمن دفاع از موسیقی سنتی و طلب نظر افرادی که از پی داوری آقای شاملو نسبت به موسیقی سنتی شک و تردید بر جان‌شان رخنه کرده بود و یا دشمنان تبدیل به یقین شده بود، در ضمن شاعر پرآوازه و وطن‌مان را سر جای‌شان بشانند و جلوی تندرویها و بی‌پروایی و "توهین" هایش را نسبت به موسیقی و دست‌اندرکاران آن بگیرند. خوب هنرمند نامی‌ها، آقای محمد رضا لطفی، خواستند ابرویشان را بگیرند زدن چشمش را هم کور کردند. یعنی بجای اینکه بسیار آمرانه نظرات خودشان را پیرامون موسیقی ارائه دهند و البته آقای شاملو را دعوت به آرمایش احساسات تند و عمیق و دلسوزانه‌شان نمایند، نه ورداشتند و نه گذاشتند شروع کردند در یک سوم مقاله‌شان (تذکرانه‌شان) به افشاگری اینکه آقای شاملو بدلیل اینکه اشعارش بی‌وزن و کرایه‌ای است و اینکه اینگونه اشعار در ایران جایی و مکانی ندارد، گویا ایرانی نبوده و بی‌وطن است! جل‌الخالق! بحق چیزهای نشنیده! و گله کردند از اینکه نمی‌توانند روی شعرهای شاعر طراز اول مملکتمان آهنگ تنظیم نمایند. علاوه بر این آقای لطفی به آقای شاملو متذکر شدند که در محدوده‌ای که تخصص ندارند، دخالت نکنند و ساکت بمانند. اما سنبه آقای شاملو پر زور تر از این حرف‌ها بود که ساکت بنشینند! پس ماجرا ادامه دار شد. قضیه جالبی است: شاملو نظرش را راجع به موسیقی سنتی ایران می‌گوید. لطفی بهش می‌گوید تخصص نداری ساکت باش و حرف زن و بعد خودش به شاملو درس می‌دهد چگونه شعر بگوید. خوب لطفی حرفش را زد بی‌ربط یا باربط. معلوم بود که آقای شاملو هم بیکار نمی‌نشیند و اتفاقاً هم ننشست و پاسخی

مقرب می‌شود دیگر. تا قدری فضا پیدا می‌کنند همه می‌افتند بجان هم.

منکه می‌گویم همه ما آزادیم راجع به هر مسأله‌ای که صلاح می‌دانیم و بنظرمان مفید می‌رسد، نظر بدهیم. این دلیلی بر مدهی بودن نیست. نه آقای لطفی، نه آقای شاملو و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند بدلیل آشنایی بیشتر حق و تو داشته باشد و یا امتیاز خاصی در داوری.

شاید اگر آقای شاملو ابتدا شکل صحیح طرح مسئله و مشکل را مناسب انتخاب کرده بودند و آقای لطفی هم بر آن فروخته نمی‌شدند و در جوابیه‌شان به بیراهه نمی‌زدند و باز متعاقب آن آقای شاملو تنه‌ابه پاسخگویی صرف به جوابیه‌ی لطفی بسنده نمی‌کردند، الآن چیزی هم عاید ما می‌شد. مثلاً می‌توانستیم بجهیم هنرمندان ما چقدر توی چننه‌شان هست و یا اینکه تاب و تحمل نقد شدن بیرحمانه را دارند یا مثل سازمان‌های سیاسی ما همچنان در موضع تدافعی در گوشه‌ای خودشان را گیر انداخته‌اند و به هر کسی می‌گوید بالای چشمتان ابروست، چنگ می‌اندازند.

خلاصه ما ناظران حیران بالاخره نفهمیدیم که حرف حساب آقای لطفی و یا هم‌نظرانشان که از موسیقی سنتی دفاع جانانه می‌کنند و مدتهاست نوید زیر و رو شدنش را می‌دهند و اما باز هم در همان چهارچوب چندساله سابق کله‌معلق می‌زند، چیست و از سوی دیگر آقای شاملو منظورشان از موسیقی مناسب و مورد نظرشان؟ یعنی نه این و نه آن بر ما معلوم شده است. خوب تکلیف چیست؟ هیچ. بنظر می‌رسد تکلیف ما این می‌شود که وقتی هر کسی ساز خودش را کوب می‌کند در دستگاه خودش و برای خودش می‌نوازد، برویم دنبال آتھایی بگردیم که سازهایشان را برای روشن شدن روح و روان و آگاهی ما بکار می‌اندازند. ناسلامتی حرف آخر را ما باید بنیم، نه؟ به ایده اینده اینکه آقای لطفی و شاملو هنرمندان و دست‌اندرکاران دلسوز دیگر دلایل قانع‌کننده و همه‌فهم‌تری را برای نظریاتشان پیرامون دفاع یا رد موسیقی سنتی ایران ارائه دهند.

طرح پیشنهادی برای حل مسأله کرد‌ها در ترکیه

زندان است. مصاحبه "اوجالان" با شماره اول آوریل ۱۹۹۰ روزنامه حریت، نشان‌دهنده گرایش PKK (حزب کارگران کردستان ترکیه) این طرح نیز هست.

طرح پیشنهادی برای حل مسأله کرد‌ها در ترکیه:

۱- خلق کرد بی‌تید و شرط محق است که خود سرنوشت خویش را تعیین کند و اگر خواهد محق است که دولت مستقل خویش را برپا سازد. این به نفع زحمتکشان است که از طریق یک انقلاب دموکراتیک مردمی بر مبنای برابری و آزادی، یک وحدت دواطلبانه (در ترکیه) انجام پذیرد. حق جدایی همواره شرط غیرقابل چشم‌پوشی یک وحدت دواطلبانه است.

۲- همزیستی و یا جدایی در پیوند با آزادی اراده خلق‌هاست. برای این که این آزادی اراده تجلی آشکار یابد، لازم است که در مناطق کردنشین یک همه‌پرسی صورت گیرد. قبل از این همه‌پرسی، آثانی نیز که طرفدار جدایی‌اند، باید امکان یابند که آزادانه مواضع خود را تبلیغ کنند.

۳- در تحت شرایط تاریخی کنونی، راه حل زیر به نفع هر دو خلق (ترک و کرد) است: برقرار یک جمهوری فدراتیو دموکراتیک استوار بر دو حکومت فدرال برخوردار از حقوق مساوی. در این فدراسیون قدرت از طریق مجالس خلق اعمال می‌شود. این مجالس از طریق انتخابات دموکراتیک در روستاها، محلات شهرها، شهرها، استان‌ها، در ایالت مستقل و در سطح کل جمهوری، تشکیل می‌شوند. ارگان‌های رهبری در شهرها و استانها و نیز حکومت‌های ایالتی و فدرال ارگان‌های مجریه مجالس خلقند و باید بدانها پاسخگو باشند.

۴- مجلس کل جمهوری از طریق انتخابات سرتاسری تشکیل می‌گردد. به ازای تعداد معینی از شهروندان یک نماینده برگزیده می‌شود. مجلس خلق مرکب است از نمایندگان دو خلق به تعداد مساوی. قوانین باید به تصویب اکثریت نمایندگان هر دو مجلس برسد. هر قانونی که در یکی از دو مجلس تصویب نشود، فاقد اعتبار است. قانون کار، حقوق جزایی و مدنی و قضایی برای کل جمهوری اعتبار دارند و مصوبه ارگان‌های ندرالند.

۵- در آن دسته از شهرها و استان‌های هر دو حکومت ایالتی که اقلیت‌های ملی اکثریت ساکنین را تشکیل می‌دهند، بنا بر خواست اهالی، خودمختاری منطقه‌ای اعمال می‌شود.

۶- قانون اساسی فدرال قانون مشترک هر دو خلق است و بر مبنای یک همه‌پرسی و تصویب اکثریت هر دو خلق، اعتبار می‌یابد. هر ایالتی خود دارای یک قانون اساسی حکومت خودمختار خویش است که دارای مواد اضافه بر قانون اساسی فدرال است.

۷- پرچم و سرود جمهوری فدرال پرچم و سرود مشترک ترک‌ها و کردها است. علاوه بر این هر حکومت ایالتی خود دارای پرچم و سرود ویژه خویش است. نام کل جمهوری نباید فقط از نام یک خلق، برگرفته شده باشد.

۸- امور مربوط به دفاع، جنگ، صلح، نمایندگی در مجامع بین‌المللی و انعقاد قراردادهای معتبر بین‌المللی در حیطه اختیارات ارگان‌های فدرال است.

۹- هر دو حکومت خودمختار

بقیه از صفحه ۸

سال به دلیل انتشار اولین کتابش و تز دکترایش از طرف حکومت نظامی ترکیه به ۱۲ سال و سه ماه زندان محکوم گردید. در طول مدت زندان توطئه قتل او و چند زمانی دیگر با انفجار بمب گازاشک‌آور و شلیک تیر از پنجره‌های زندان به درون سلول ریخته شد اما وی جان سالم بدربرد. در سال ۱۹۷۴ به دلیل یک معمو عمومی از زندان آزاد گردید و در همان سال کتاب "متد و روش علمی" را منتشر کرد. در سال ۱۹۷۷ چند کتاب از او از طریق انتشارات کمال به بازار عرضه گردید از جمله این کتب کتاب‌های تبهید اجباری کردها، اصل تاریخ ترکیه، تئوری زبان خورشیدی و مسأله کردها، بودند که تمامی این کتب از طرف دولت ترکیه ضبط و توصیف گردید و اسماعیل نیز به همین دلیل به دو سال و چهارماه حبس محکوم گردید. وی از اول دسامبر ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱/۴/۱۱ در زندان بود و پس از اتمام مدت محکومیت، محکومیت او تمدید گردید. در ۲۳ مارس ۱۹۸۲ به علت نوشتن نامه‌ای از زندان که در ۱۴/۸/۱۹۸۰ به زبان انگلیسی و فرانسوی برای مدیر کانون نویسندگان سوئیس خانم "بورلینگر" فرستاده بود، ۱۰ سال زندان با اعمال شاقه به او ابلاغ گردید. در سال ۱۹۸۷ از زندان آزاد شد و در ماه ۲/۱۹۹۰ کتاب‌های "استعمار بین‌المللی کردستان، مارس ۱۹۹۰، دانش، ایدئولوژی آشکار، حکومت، دموکراسی و مسأله کردستان، یک سازمان باعوش و مسأله کرد، راه چاپ رسانه در ۱۲ مارس ۱۹۹۰ حکم بازداشت مجددی صادر گردید و او به دلیل دفاع از کردستان زندانی و در حال حاضر در زندان به سر می‌برد.

در بخش دوم طرح پیشنهادی تونجا ارسلان سردبیر نشریه Dogru را به لحاظ حل مسأله کردها در ترکیه ارائه می‌گردد. دولت ترکیه، تونجا ارسلان را به خاطر ارائه این طرح دستگیر نموده است و در حال حاضر در

توضیحی پیرامون چند نامه و مقاله

دوست عزیز، پیام از هوستون. مقاله شما بنام "مسایل اصلی در سازمان ما و چگونگی طرح صحیح مسایل مورد بحث" که پاسخی است به مقاله "مسئله اصلی در سازمان ما چیست؟" نوشته مهدی خسرو شاهی به دست ما رسید. متأسفانه حجم این مقاله بیش از یک صفحه نشریه اکثریت است و بدلیل آنکه یک مقاله تئوریک است، امکان خلاصه کردن آن برای ما وجود ندارد. باپوزش از درج آن خودداری می‌کنیم. به همکار گرامی ح. بهداد. مقاله "چین و تایوان: گذار از ستیز و چ" به سوی وحدت؟ را در فرصت مناسب مورد استفاده قرار خواهیم داد.

ترجمه‌های زیر به دست ما رسید:

بخشی از کتاب ۸۳۰ صفحه‌ای "ستالین، پیروزی و تراژدی" توسط رفیق امیر.

بحران افزایش مجدد نفت و آمریکای لاتین در راه فراموشی توسط ستم‌مردی.

حزب ملّی می‌شود. به‌مناسبت ۶۹مین سالگرد تاسیس حزب کمونیست آفریقای جنوبی و هم چنین آماری مربوط به فعالیت شرکت‌های چند ملیتی توسط دوستان مرتضی میثمی از بریتانیا.

ترجمه بخشهایی از سخنرانی فیدل کاسترو بنام "جهان سوم کجا می‌ماند؟" توسط محسن رفیق در توضیح این ترجمه یادآوری شده است.

تا آنجایی که به خاطر می‌آید امروزه از دموکراسی صحبت زیادی می‌شود. باتعهد بر این اصل میبایستی نظریات رفیق کاسترو نیز در نشریه منعکس شود تا رفقای سازمان ما و دیگر علاقمندان چهره‌ای همه‌جانبه از تحولات و دگرگونی‌های فعلی جهان داشته باشند. متأسفانه تاریخ این سخنرانی مربوط به ۹ ماه پیش است. نامه رفیق محسن، تاریخ ۸ ماه پیش را دارد. بدلیل ناسامانی در کار ما، از این ترجمه به موقع استفاده نشد. ضمن پوزش از این دوست عزیز، از ایشان تقاضا می‌کنیم تا به منظور اجرای نظری که در سطور فوق ابراز داشته است، ترجمه یکی از سخنرانی‌های جدید فیدل کاسترو را جهت درج در نشریه ارسال دارد.

* ترجمه بنامهای "از یکدیگر جدا شویم تا اترناتیور اتقویت کنیم" و "انشعاب؟ نه! قاطعانه نه!" توسط همکار گرامی امان محمود از ایتالیا. از این ترجمه‌ها استفاده خواهد شد.

مجازند که با کشورهای خارجی روابط مستقیم و اقتصادی و فرهنگی برقرار کنند و در کشورهای دیگر نمایندگی خود را داشته باشند.

۱۰- در هر یک از سطوح رهبری، قدرت به طور کامل در اختیار مجالس خلق و ارگان‌های رهبری مسئول در برابر این مجالس است. سازمان‌های انتظامی منطقه‌ای تحت فرمان ارگان‌های رهبری منطقه‌ایند که به نوبه خود در برابر مجلس منطقه مسئولند. سازمان‌های انتظامی روستاها از جانب جوانان روستا تشکیل شده و تحت فرمان انجمن ده قرار دارند.

۱۱- زمین‌داری بزرگ و رهبری مشیتری و همه اشکال روابط قرون وسطایی که نه تنها سیر تکامل ملی و اجتماعی همخوانی ندارند، بلکه مانع همزیستی برادرانه خلق‌ها نیز می‌شوند، از طریق اصلاحات ارضی باید از طریق بسیج روستائیان و باهدایت خود آنان صورت گیرد.

جمهوری فدرال بر میزان سرمایه‌گذاری در مناطق به لحاظ اقتصادی هتب مانده می‌افزاید، تا از طریق مکانیسم اقتصاد بازار نابرابری بین مناطق را از میان بردارد. از این طریق بنیاد اقتصادی اتحاد خلق‌ها تقویت می‌گردد.

۱۲- حقوق و آزادی‌های دو خلق و هر اقلیت ملی و مذهبی برای تکلم به زبان خود و تکامل فرهنگ خود و برای فعالیت سیاسی و تشکیلاتی، ملحوظ و محفوظ است.

۱۳- ترکی و کردی زبان‌های رسمی کشورند. در هر ایالت، زبان رسمی زبان آن ایالت است. مصوبه‌های ارگان‌های فدرال به هر دو زبان تحریر می‌گردد. از مدرسه ابتدایی تا دانشگاه در همه نهادهای آموزش و موسسات فرهنگی امکان کاربرد هر دو زبان در امور آموزشی و تحقیقی، و در مطبوعات، رادیو، تلویزیون و نظایر اینها متحقق می‌شود.

۱۴- از طریق رفع ستمی که تا به امروز به خلق کرد روا داشته شده است، فرهنگ این خلق امکان رشد و نمو می‌یابد. ارگان‌های رهبری خواهند کوشید از طریق توسعه روابط دموکراتیک فرهنگی با ترک‌ها و کردهای ساکن کشورهای دیگر و توسعه دادن به یک فرهنگ بین‌المللی مشترک، با دیگر خلق‌های گیتی در یک جو پلورالیستی دارای تنوع فرهنگی همزیستی و همکاری داشته باشند.

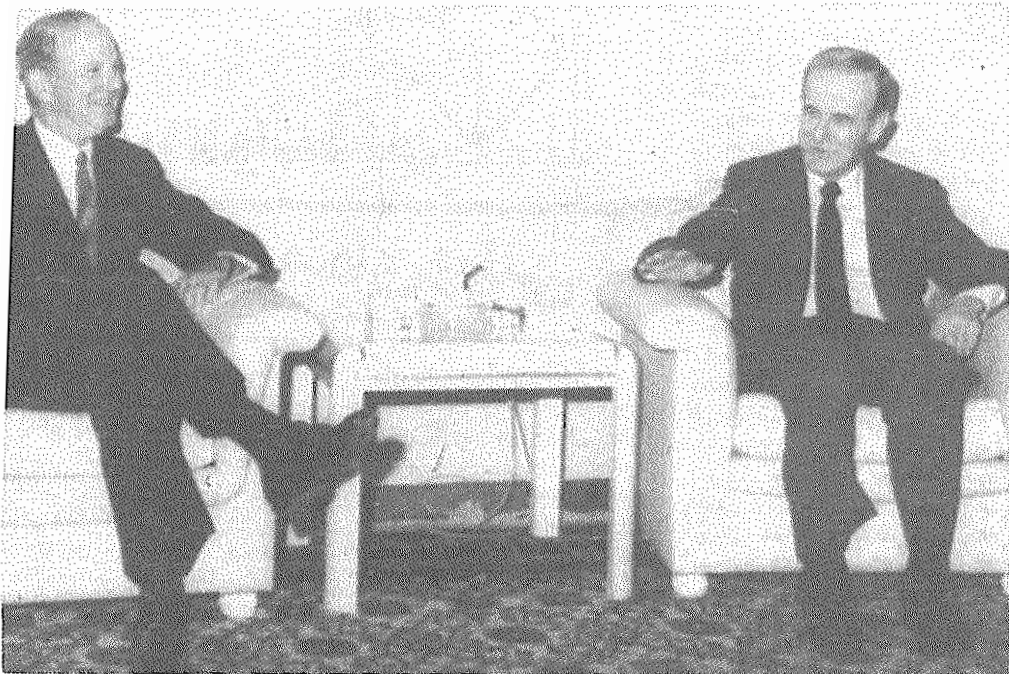
۱۵- همه ارگان‌های رهبری برای اشاعه فرهنگ بین‌المللی زحمتکشان، که در میان خلق‌ها صلح و انسانیت و جلوگیری از کاربرد قهر را اشاعه می‌دهد، می‌کوشند. آنها می‌کوشند که فرهنگ پوسیده‌ای که در زندگی اجتماعی و در روابط خلق‌ها حل مسائل از طریق اعمال قهر را تشویق و تقدیس می‌کند، ریشه‌کن گردد.

در برابر یک فرهنگ فاشیستی، که از زمان جنگ مالازگیرت (۱۰۷۱) تاکنون در بخشی از گیتی که ما ساکن آئیم، سلطه یافته است و علیه هرگونه ناسیونالیسم، یک فرهنگ دموکراتیک، انسانی، جهان‌نگر و انترناسیونالیستی اشاعه می‌یابد، که می‌کوشد منابع فرهنگی مارا که از طریق شمار زیادی از خلق‌ها فنا یافته‌است، بازجوید و محافظت کند. نام شهرها و روستاها در نزد ما، نشان‌دهنده تنوع این منابع فرهنگی است. باید جلوی تعویض آنها گرفته شده و هر منطقه‌ای نام اصلی و شناخته شده خویش را داشته باشد.

چند توصیه به خوانندگانی که خواهان همکاری با صفحه "با خوانندگان" هستند

- ۱- برای آنکه بتوانیم نامه‌ها را در نشریه درج کنیم، کوتاه بنویسید. مقالاتی که از ۵ صفحه کافز 4 یا ۳ ستون نشریه بیشتر باشد، درج نخواهد شد.
- ۲- مطالب خود را خوانا و بر یک رو کافز 4 بنویسید.
- ۳- برای نوشته خود یک نام (واقعی و یا مستعار) انتخاب کنید.
- ۴- نشریه اکثریت از بازگرداندن نامه‌هایی که به دفتر آن می‌رسد، معذور است.

ملاقات وزیر امور خارجه آمریکا و رئیس جمهور سوریه



کرد که کشورش تعداد سربازان سوریه موجود در مرزهای سوریه را از ۴۰۰۰ نفر به ۱۵۰۰۰ نفر افزایش خواهد داد.

لیست کشورهایی قرار دارد که وزارت امور خارجه آمریکا را متهم به حمایت کردن از تروریسم بین‌المللی می‌کند. فاروق الشرع وزیر امور خارجه سوریه پس از پایان سفر بیکر اعلام

جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا روز جمعه ۱۴ سپتامبر سفر خود را به سوریه پایان داد. او پس از ملاقات با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه فضای مذاکره را کاملاً دوستانه خواند. سوریه در

ماندلا: "مقاومت دشوار است"

که از قطار به بیرون می‌شتافتند، آتش گشودند. یک ناظر عینی خبر داد که جوانان به صوت سیستماتیک کار می‌کردند و واگون‌ها را یکی پس از دیگری می‌گشتند. تمامی این‌ها، آشکارا به خوبی سازمان داده شده بود. واگون‌ها و سکوی راه‌آهن تماماً به خون آغشته بود. بنا به اطلاع پلیس مجرمین به قبیله زولو تعلق داشته‌اند. اما اینکه سرنشینان قطار، افرادی از گروه‌های مختلف سیاه‌پوست وجود داشته‌اند، نشان می‌دهد که این حمله نمی‌تواند کار گروه مشخصی باشد. ضمناً پلیس احتمال داد که افرادی که مسئول کشتار روز جمعه هستند، قاتل سه راننده سیاه‌پوست تاکسی در شهرک سیاه‌پوست نشین سووتو باشند. در سووتو افراد ناشناس به یک نفر پلیس نیز حمله کردند.

در نتیجه درگیری‌های چهار هفته گذشته میان دو قبیله زولو و اکوزا تاکنون ۷۵۰ نفر جان خود را از دست داده‌اند.

تجدید است. "تصمیمات جدید برای تخفیف دامنه درگیری‌ها هفته آینده ملنی خواهد شد. هفته گذشته در نتیجه حمله گروهی از جوانان سیاه‌پوست به یک قطار محلی حامل سرنشینان سیاه‌پوست ۲۶ نفر کشته و ۱۰۰ نفر مجروح شدند. براساس گزارش ناظرین عینی گروهی شامل ده جوان با نیزه و سلاح‌های مشابه به سرنشینان قطار حمله کردند. یک شاهد عینی گفت: "من فکر نمی‌کردم که بتوانم زنده از مهرکه بگریزم". بسیاری از سرنشینان کوشیدند برای نجات جان خود از پنجره‌های قطار در حال حرکت به بیرون پرتو یا زیر صندلی‌های قطار مخفی شوند. مقتولین این حادثه بیش از همه مردان و زنان پیری بودند که نتوانستند خود را به مکان امنی برسانند.

هاملین این جنایت قبل از ورود قطار به ایستگاه راه‌آهن گریختند. شاهدان عینی خبر می‌دهند که در ایستگاه راه‌آهن گروه دیگری از سیاه‌پوستان حاضر بودند که بر روی سرنشینانی

روز جمعه ۱۴ سپتامبر دیداری میان مقامات عالی دولت سفید پوست آفریقای جنوبی و اپوزیسیون سیاه‌پوست این کشور صورت گرفت. فردریک دکلرک فرانسوی و نلسون ماندلا که در پی خونریزی مجدد میان سیاه‌پوستان، به دیدار هم نشسته بودند، امکانات تخفیف درگیری را مورد بررسی قرار دادند. ماندلا گفت که در بدنه ANC ناراضی‌ها افزایش یافته است. ولی افزود که هیچگاه هواداران خود را تا بدین حد ناراضی ندیده است. ماندلا گفت "آن‌ها تقاضای سلاح می‌کنند و این برای ما بسیار دشوار است که در مقابل این خواست بایستیم." دکلرک قبلاً گفته بود که نیروهای وجود دارند که امیدوارند این مذاکرات نتیجه‌ای در بر نداشته باشد. موج جدید خشونت، آتش‌افروزی و ضایعات مالی از جانب هیچ دولت متمدنی پذیرفتنی نیست. "آفریقای جنوبی نوین، که هدف تمامی اتباع این کشور است، در نتیجه این اقدامات در معرض

مخالفت گارباچف با طرح ریشکوف

میزان ۳۰ درصد خواهد شد و هیچگونه ابتکاری برای حمایت از مردم در طرح پیش‌بینی نشده است.

باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن دفاع از برنامه شاتالین اعلام کرد در صورت عدم موافقت پارلمان اتحاد شوروی با برنامه شاتالین، جمهوری روسیه به تنهایی آن را عملی خواهد کرد.

استانیسلاو شاتالین که مورد حمایت نیروهای رادیکال از جمله باریس یلتسین است، پشتیبانی کرد.

نیکلای ریشکوف نخست‌وزیر اتحاد شوروی در جوابیه خود در پارلمان ضمن رد کردن انتقادات وارده به برنامه دولت اظهار کرد که عملی شدن طرح شاتالین به طور قطع منجر به پایین آمدن سطح زندگی در اتحاد شوروی به

میخائیل گارباچف در پارلمان اتحاد شوروی خواهان سرعت بخشیدن به روند اقتصاد بازار در کشورش شد. گارباچف در سخنرانی خود از طرح نیکلای ریشکوف، نخست‌وزیر شوروی به خاطر حضور عناصر جدی از اقتصاد برنامه‌ای در آن شدت انتقاد کرد و به شکل غیرمنتظره‌ای از طرح اقتصادی

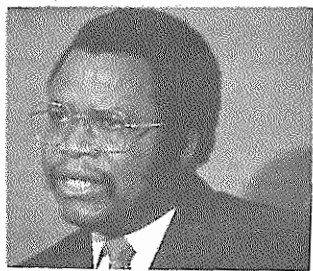
توافق دولت و نیروهای اپوزیسیون در کامبوج

در طرح صلح سازمان ملل متحد تصریح شده است که تا زمان برگزاری انتخابات آزاد در کامبوج نیروهای صلح سازمان ملل اجرای آتش‌بس بین طرفین درگیر نظارت خواهند کرد و مسئله کرسی نمایندگی کامبوج در سازمان ملل به طور موقت و مشورتی اداره خواهد شد.

وزیر خارجه اندونزی و معاون وزارت خارجه فرانسه که مسئولیت برگزاری نشست جاکارتا بین نیروهای درگیر کامبوج را عهده‌دار بودند در پایان مذاکرات پذیرش طرح صلح سازمان ملل متحد را گامی بزرگ برای رسیدن به صلح در کامبوج اعلام کردند.

نیروهای درگیر در کامبوج هفته گذشته در جاکارتا پایتخت اندونزی بر سر ایجاد شورای ملی به توافق رسیدند. برپایی شورای ملی بخشی از طرح سازمان ملل متحد برای پایان دادن به منازعات موجود بین دولت هون سن و اپوزیسیون می‌باشد.

رئیس جمهور لیبریا کشته شد



جنگ خونین و چند ماهه در لیبریا هفته گذشته با به قتل رسیدن "ساموئل دو" رئیس جمهور لیبریا توسط نیروهای شورشی ژنرال جانسون وارد مرحله تازه‌ای شد. با مرگ "دو" تلاش نیروی صلح کشورهای آفریقای غربی برای برقراری آتش‌بس بین طرفین درگیر با معضلات جدیدی روبرو خواهد شد.

یک روز پس از قتل رئیس جمهور لیبریا، دیوید نیجلی رئیس گارد ریاست جمهوری خود را جانشین "دو" خواند و بر ادامه جنگ علیه شورشیان توسط نیروهای طرفدار "دو" تاکید کرد.



ساحل هاج از فقیرترین کشورهای آفریقای است. مردم بسیاری از گرسنگی می‌میرند. پاپ در یک زره پوش می‌رود تا کلیسایی را در "پامو سکوری" در ساحل هاج افتتاح کند. کلیسایی که بزرگترین و گرانترین کلیسای جهان است. ۲۵۰ میلیون دلار هزینه ساخت آن شده است و تنها کلیسای اصلی واتیکان با آن قابل مقایسه است. شاید پاپ اندیشیده است که اگر سر رو به بالا باشد، گرسنگی شکم فراموش می‌شود. شکم گرسنه باید دین و ایمان داشته باشد.

طرح پیشنهادی برای حل مساله کردها در ترکیه

ترجمه از: جبار

۱۹۶۷ تز دکترای خود را تحت عنوان "سازمان اجتماعی یک قبیله کوچتر" که زمستان‌ها سیل فان "Silvan" و تابستان‌ها بر روی کوه‌های نهرود و "Suphan" به سر می‌برند، نوشت. در اواخر سال ۱۹۶۷ در تظاهرات شهرها و دهات مختلف کردستان (سیل فان، دیاربکر، زنگیرک، تاگری، درسیم، بات‌هان و...) فعالانه شرکت کرد. در سال ۱۹۶۸ نوشته‌ای در مورد تغییرات اجتماعی خلق کرد منتشر نمود. سال بعد اولین کتابش تحت عنوان "ساخت جامعه، اقتصاد و زمینه عمومی شرق

آناطولی به بازار عرضه شد. در سال ۱۹۷۰ در دانشگاه آنکارا در بخش سیاست آزاد شروع به کار تحقیق و تجسس نمود. در سال ۱۹۷۱ به دلیل فعالیت سیاسی از دانشگاه اخراج گردید. در همین بقیه در صفحه ۷

ترکیه اشاره‌ای می‌شود. این نوشته برگردانی است از مقاله‌ای که در مجله شماره ۱۶ کردستان آرشیو ArsChiv kurdistana به زبان آلمانی درج شده است.

اسماعیل بیشکچی در سال ۱۹۳۹ میلادی در ایسکلیپ "Iskilip" نزدیک "Corum" متولد شد. در سال ۱۹۶۲ تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در آنکارا به پایان رساند و در سه سال دانشجویی یک پراکتیکوم در "Elazig" کردستان گذراند. خدمت سربازی را در دو شهر کردستان به نامهای "تیلیس" و "هکاری" به اتمام رسانید. در سال ۱۹۶۴ به عنوان کارمند در "Hozat" شروع به کار کرد و در اواخر همان سال به عنوان دستیار جامعه‌شناسی وارد دانشگاه آنکارا گردید. سال

سرکوب ملت کرد در ترکیه تا حد انکار و محو نابودی این ملت از سابقه طولانی برخوردار است. دولت فاشیست ترکیه هرگونه ندای حق‌طلبی در ارتباط با ملت کرد را همچنان با سرکوب وحشیانه پاسخ می‌گوید. در ترکیه دستگیری و زندان و شکنجه و کشتار مبارزان دموکراسی و آزادی فقط مختص به کردها نبوده و ملی سرکوب این ملت از مختصات ویژه‌ای برخوردار است. در همین رابطه تا به حال مبارزان فیرکرد زیادی نیز به دلیل دفاع از حقوق کردها و یا طرح مساله کردها تحت پیگرد و شکنجه و زندان قرار گرفته‌اند. در این نوشتار فقط به دو نمونه از جمله آزار و زندانی کردن مبارزان ترک اسماعیل بیشکچی و تونجا ارسلان که ترک هستند ولی از حقوق ملت کرد دفاع کرده‌اند و نیز طرح پیشنهادی تونجا ارسلان در رابطه با کل مساله کردستان در

برای اشتراک تریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمربستی و یارسید باتکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراک	نشریه "کار"	نشریه "اکثریت"
۱۱ مارک	۲۱	۲۴
۱۳ مارک	۲۴	۲۴

بهای اشتراک	نشریه "کار"	نشریه "اکثریت"
۳۲ مارک	۶۲	۱۴۰
۳۹ مارک	۶۲	۱۴۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 319
MONDAY 17.Sep.1990

آدرس: RUDEN
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W.GERMANY

اکثریت
نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W.GERMANY